

۱۳۴۸



توسعه و انتشار
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۳۴۱
 سال ششم
 انتشار

شرکت چاپ و نشر
 کتابخانه ملی
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپخانه نهضت

کتابهای تازه چاپ

شرکت چاپ کتاب بامسئولیت محدود



- ۱- خاندان پیغمبر (ص) (چهارده معصوم)
- ۲- شرح حال زندگانی حضرت رضا (ع)
- ۳- عاشورا چه روزیست (تاریخ عاشورا)
- ۴- دیوان مرحوم حکیم هیدجی
- ۵- دیوان و آتشکده نیر (حجت الاسلام)
- ۶- فرهنگ فرانسه بفارسی منیری
- ۷- زندگانی سیاسی عمر بن خطاب
- ۸- خلفاء راشدین
- ۹- شبگردان مخوف ۲ جلد
- ۱۰- املاء فرانسه نیارش ۲ جلد

تهران

سالنامه شرق

سال ششم انتشار

گرد آورنده

عبدالباقی تهرانیان - قاسم تهرانیان

بهمن ماه ۱۳۲۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص است به

شرکت چاپ کتاب بامسئولیت محدود

چاپخانه شرکت مطبوعات



فهرست مندرجات سالنامه ۱۳۲۱ شرق

فهرست قسمت اول سالنامه شرق

- ۱ - مقدمه سالنامه از صفحه ۱ تا صفحه ۵
- ۲ - مقاله تکثیر تولید و تقلیل مصرف از صفحه ۶ تا صفحه ۱۰
- ۳ - مقاله یادآوری بجامه بشری بقلم دانشمند معظم آقای بهار
از صفحه ۱۱ تا صفحه ۱۶
- ۴ - ایران از روزن واژه ها از صفحه ۱۷ تا صفحه ۳۷
- ۵ - گزارش یکساله کشور بانضمام مراسلات متبادله مربوط
بقرارداد اتحاد روس و انگلیس و ایران از صفحه ۳۶ تا صفحه ۱۴۴
- ۶ - اوضاع سیاسی جهان شامل حوادث مهم سیاسی و
جنگی : - جنگ های بالکان - نبرد های شمال آفریقا و مدیترانه -
حمله بجزیره کرت - آغاز نبرد در جبهه خاورین آلمان و روسیه -
ورود واحد های ارتش انگلیس و شوروی بایران - وضعیت عمومی
آمریکا - تیرگی روابط ژاپن و آمریکا - آغاز جنگ در خاور دور
از صفحه ۱۴۵ تا صفحه ۱۹۲
- ۷ - بخش فکاهی در زیر صفحات از صفحه ۱۴۲ تا صفحه ۱۶۰
- ۸ - داستان ماده پرستان در زیر صفحات از ۱۶۱ تا صفحه ۱۹۲

فهرست قسمت دوم سالنامه شرق

- ۱ - مرگ زمین نگارش آقای انصاری از صفحه ۱ تا صفحه ۳
- ۲ - اختر بخت نگارش آقای فرهمند از صفحه ۴ تا زیر صفحه ۳۳
- ۳ - سالنمای ۱۳۲۱ سالنامه شرق با انضمام موضوعات متفرقه
و اندرز های سودمند از صفحه ۹ تا صفحه ۳۳
- ۴ - شرح حال و عکس مرحوم شیخ محمد خراسانی
از صفحه ۳۴ تا ۳۶
- ۵ - ادبیات بانضمام ۳۵ قطعه عکس و مقالات و اشعار
از صفحه ۳۷ تا صفحه ۸۸
- ۶ - سازمان کشور : سازمان دفتر نخست وزیر. وزارت کشور
وزارت داد گستری - وزارت پیشه و هنر - وزارت راه - وزارت
پست و تلگراف - وزارت کشاورزی - اداره کل ثبت اسناد
و املاک و غیره از صفحه ۸۹ تا صفحه ۱۱۰
- ۷ - آگهی - از صفحه ۱۱۱ تا صفحه ۱۲۸

آغاز سال ششم

بخواست خداوند متعال ششمین سال سالنامه شرق چاپ و تقدیم علاقمندان و خوانندگان محترم میشود

در جریان شش سال که ما برای انجام این خدمت فرهنگی کمر بسته و هر سال در آغاز اسفند ماه موفق بنشر سالنامه گذشته ایم از نظر انجام این وظیفه مهم با اشکالاتی مواجه شده ایم ولی چون علاقه و محبت قارئین گرامی سالنامه همیشه و همه وقت مشوق ما بوده به برطرف ساختن موانع موفق شده و سالنامه را در دسترس عموم قرار داده ایم

در سالهای پیش نه تنها از نظر چاپ و تهیه وسایل کار کارکنان سالنامه در زحمت بودند بلکه در گرد آوری مطالب و نوشتن مباحث نیز با مشکلات زیادی روبرو میشدند چه تا پیش از سوم شهریور ماه سال جاری نوشتجات سخت تحت کنترل بود و کسی جرأت نداشت بر خلاف میل عمال دولتی و موافق حقیقت و حق چیز نوشته و معایب را تذکر و محاسن را تشویق کند

سپاس خدای را که این نقص بزرگ اکنون بر طرف شده و همه مندرجات جراید و مجله ها و سالنامه ها با عقیده و ایمان تنظیم می یابد و معایب کارها بطوریکه شاید و باید گفته میشود ما عقیده داریم که از آزادی قلم و بیان نباید سوءاستفاده کرد و در صدد آشفته ساختن اوضاع بر آمد و ساکنین کشور را نگران و مشوش نمود ، امروز درد های زیادی دامنگیر اهالی کشور شده و سر زمین ایران میهن عزیز ما دچار پیش آمد های بسیار ناگوار گشته است . ما امروز از هر روز بیشتر نیازمند ایمان و

عقیده پاک هستیم ، بعقیده ما ارباب جراید ، نویسندگان بویژه آنهاست که هر روز مینویسند و در صددند جامعه را اصلاح و زمامداران کشور را در انجام وظیفه خطیری که دارند مدد نمایند باید با یکدیگر ایمان و علاقه بسعادت کشور باستانی و ابناء میهن قلم بدست گرفته و خامه توانای خود را تنها در سود جامعه و خیر و صلاح کشور بکار برند .

اگر ما امروز وظیفه وجدانی خود را انجام نداده و برخلاف حقیقت رفتار نماییم در برابر نسلهای آینده مسئولیت بزرگی خواهیم داشت ، امروز تمام گوشه و کنار دنیا آتش گرفته و هیولای مهیب جنگ هر آن سر زمین بزرگی را با ملیونها نفوسش زیر کابوس مرکباز خود قرار میدهد ولی هنوز این آتش بسرحد کمال و گداختگی خود نرسیده و مثل اینستکه کشور های دیگر و سرزمین های دور دستی را فرا خواهد گرفت و کاخ تمدن بشری را که ۲۰ قرن تمام برای بنیان و استحکام آن زحمت کشیده شده خواهد سوخت پیش بینی های زیادی میشود که در آغاز بهار سال ۱۹۴۲ یعنی یکماه بعد جنگ و خونریزی به منتهی شدت و دهشت خود خواهد رسید هیچ بعید نیست که با مقدماتی که فراهم می شود گوشه از این آتش دامنگیر ما شده و قطعی است که در یکچنین گیر و داری هیچ کسی بجز خود ما بفرگ ایران نخواهد بود پس بر ماست که در مقابل مصائب و بدبختی ها دست بدست هم داده و سعی کنیم که کشتی کشور را از میان امواج سهمگین جنگ سلامت بساحل نجات رسانیده و در فکر این باشیم که سر نوشت کشور ما در آتیه چگونه خواهد بود .

بهمن ماه ۱۳۳۰ سالنامه شرق

آقایان مؤلفین محترم سالنامه شرق

چون سالنامه شما خواننده زیادی دارد و مخصوصاً در شرق کشور که عنایت مردم آن بکشت و کار بهار بیشتر است خوانندگان بسیار دارید مناسب است که عموم را بلزوم کشت و کار بهار و کم مصرف کردن خوار بار متوجه نمایند اینک مختصری در این زمینه بعلاوه قطعه‌ای که مناسب با موضوع است برای درج در آن سالنامه ارسال میدارد :

صاحب روزنامه بهار - احمد بهار

تکثیر تولید و تقلیل مصرف .

در این هنگام که جنگ جهانیگیر کشور ما را از جهت گرانی و کمی خواربار بفشار انداخته است اگر تمام افراد کشور چند در صد از میزان مصرف خود را کم کرده و تولید کنندگان مواد خوار بار نیز بزبان کردن میزان محصول خود کوشش کنند قدم بزرگی برای حفظ حیات خود و هم میهنان بر داشته و رقم درشتی خواربار برای مصرف عده از آنها در داخل کشور انباشته اند و بعبارت ساده يك اصل اساسی اقتصاد که عبارت از تقلیل مصرف و تکثیر محصول است بحصول رسیده است .

اگر مصرف کنندگان از هو سرانی و اسراف کاری برکنار شده از مصرف خوار باری که برای قوت روزانه در درجه اول احتیاج نیست خودداری نمایند اگر تولید کنندگان یعنی کشاورزان و صنعت کاران فعالیت بیشتری برای زیاد عمل آوردن محصول خود معمول دارند شکی نیست که عده بسیاری را از خطر پر شررگرانی رها نموده و از توده های انبوه بینوایان خواهند کاست .

و اما اگر مثل همیشه برخلاف انصاف اسراف کاری و سستی در تولید مواد غذایی رائج باشد قسمتی از لوازم زندگانی که سرلوحه حوائج ماست کم آمده وعده زیادی بدون خواربار مانده بقحط و غلا دمساز خواهند گردید و ضربت های هولناکی بتمام شتون ملی و حیاتی ما وارد گردیده تأثیرات شوم خود را در مقدرات عموم نفوذ خواهد داد

باید مصرف کنندگان نه تنها از مصرف خود بکاهند بلکه تمام نیروی خود را کمک و بدرقه تولید کنندگان ساخته آنها را برای تولید هر نوع خوارباری باری دهند . اگر دهقانی برای کشت بهاره خود وامی یا مساعده خواست کمک کنند و اگر اربابی برای توسعه کشت و کار مزرعه خود یاری طلبید بدون فوت وقت باو مدد نمایند آنها که مساعدتهای مالی را قادر نیستند ممکن است کمک آنها باین محدود باشد که باغچه خانه مسکونی یا گلدانی را که مورد تفریح صبح و شام و پرورشگاه چند گل کم دوام است برای کاشتن چند بوته بقولات از قبیل نخود و عدس و لوبیا و باقالا تخصیص دهند و در نتیجه این ابتکار کمکی بخوار بار کرده باشند و اگر در تمام کشور يك میلیون نفر باین دستور از محصولات مذکور به شهر برسانند رقمی درشت بر يك مشت خوار بار افزوده و برای غذای گروهی بینوا کمکی بسزا کرده اند

کار های کوچک وقتی بدست عده زیادی صورت گرفت بزرگ میشود اگر روی هم رفته فرض کنیم پنج میلیون نفر هر کدام ده کیلو مواد غذایی در باغچه ها و نضاهای آزاد خانهای خود (سیب زمینی - باقالا - نخود . امثال اینها) بعمل آورند پنجاه میلیون کیلو بر میزان خوار بار ما افزوده خواهد شد و این خود ممکن است

خیلی از کسرهای ما را جبران نماید .

اگر کشاورزان ، دهقانان و ارباب املاک و پیش آهنکاران
فلاحت با تحمل بعضی مشکلات کوچکترین قطعات زمینی خود را بدون
کشت و کار نگذارند تا آنجا که وقت و زمین و آب با آنها مساعد
است از خورد و خواب خود کاسته از کشت و کار بهاره در بهار
بکنار نرفته بقدر مقدور همراهی باین منظور نمایند ممکن است آثار
خطر پارگیابی خواربار در کشور ما پدیدار نشده و بر خلاف
تصور و انتظار بد بینان از گیمایی ارزاق و نان در امان بمانیم
اگر دارندگان و نرومندان و ارباب مال و منال که
توانسته اند خوار بار ماه و سال خود را ذخیره کنند تا اول خرمن
زیادی موجودی خود را بیازار کشانند و با گرفتن بهای آنها بآنها
که ندارند برسانند باور کنید که اجدی تلف نشده و به تیرگرسنگی
هدف نخواهد شد اگر همین طبقه دارنده امتیازی بین زنان و فرزندان
خود با زنان و فرزندان بینوایان و ناداران نگذارند و بدانند که
علاقه آنان بزنان و فرزندانشان با علاقه آنان یکسان است البته
از ذخیره و پسرانذاهمی که پایه آنها بیم و دهشت است بوحشت
افتاده و از ابتکار که نوعی از احتکار است فرار خواهند کرد
اگر مأمورین و کارمندان دولت عموماً آگاه باشند که
مسئولیت آنها در این زمان چقدر سنگین و سهمگین است بیکدیگر
پیشی گرفته با هر بیان و عنوان مردم را بصرقه جوئی دقیق و کوشش
در کشت و کار بهار تشویق نموده و در هر استان و شهرستان و
بخش و دهستان به محض شکستن سورت زمستان آنها را بکاشتن انواع
غلات و نباتات و بقولات به مقتضای آب و هوا و استعداد و ادار
مینمایند و عمل خود را سرمشق سایرین قرار میدهند .

علاقه بهم میهنان بالا تر از علاقه به میهن است زیرا همه
میهن را برای هم میهنان میخواهند پس برای نجات هم میهنان باید
به تقلیل مصرف و تکثیر تولید بکوشند .

وقت کار از دست نرفته اگر بواسطه حوادث ناگوار قسمتی
از زمینهای زراعتی ماکاشته نشده اگر در بعضی جاها نسبت بسالهای
گذشته نصف یا ثلث یا ربع تخم افشانی شده این کسری را در بهار
(سال ۱۳۲۱) میتوان جبران کرد و محصول سال آینده را بحد
معمول رسانید بهاره کاری ما اگر با فداکاری دهقانان و پایداری
ملاکین پشتیبانی شود جای هیچگونه بیم و هراس و دهشت بی اساس
نیست و عمر این تنگی و گرانی تا اول خرمن سپری خواهد گردید .

ب . ا



بهاره . بهاره

بهاره - بهاره

مراگفت دهقانی از اهل زابل
 اگر ماه شهریوری فتنه شد
 اگر ریخت در کشتزارت سپاهی
 اگر فصل کشتن نکشند تخی
 زمینت اگر ماند بی بدر گندم
 گر افتاد اندر خطر جان مردم
 اگر سخت ترسیدی از مرگ طفلان
 اگر دوره بیشت آید که باشد
 بطوریکه ترسیدی از سال دیگر
 زجنس بهاره بدست آر بزدی
 بیاری طلب کن دونه گاو کاری
 بران گاو و بر گاو آهن بنه پا
 بیک شخم تنها قناعت مفرما
 بیفشان بنام خداوند گندم
 از این کشت و این کار کم زحمت تو
 سپس گفت بی دربی آن مرد دهقان

که از دوده زال بودو زواره
 که شاهی فروریختش برج و باره
 که بیرون بود عده اش از شماره
 بدستور مردان دانای کاره
 بهفت آسمانش بند یک ستاره
 کشید آتش قحط هر جا شراره
 زده ساله تا کودک شیر خواره
 دل مرد دارنده چون سنگ خاره
 فتادی بدنبال تدبیر و چاره
 ز هر جا و هر گوشه و هر کناره
 دو کار قوی هیکل و هم قواره
 که قلب زمین را کند باره باره
 بکن شخم خوبی دوباره سه باره
 بکش ماله بر روش اما سواره
 بدست آیدت خرمنی چون مناره
بهاره . بهاره . بهاره . بهاره

ب . ا

بخامة دانشمند نامدار آقای احمد بهار

یاد آوری . به جامعه بشری

گر چه همیشه انسان بی اندیشه را مژده دهنده یابیم کننده
 و ترساننده ای از پیشگاه اله بشماره خواننده گاهی او را به راحت
 بهشت نوید داد . زمانی بعد از شدید دوزخ تهدید مینماید . ولی
 در این زمان سر تا سر جهان بصورت بشیر و نذیر در آمده و هر
 آن پیامی از یزدان بانسان میرساند . کدام تر سائنده و نذیری مثل
 جنگهای خونین و نبردهای سهمگین گروه انبوهی از بشر و الیزانده
 و ترساننده و سایر افراد آزاد او را از شنیدن اخبار خونبار آنها
 بقره برقیه رادیو یا دیدن قوه انعکاسیه سینما ها بوادی دهشت و
 وحشت افکننده است : کدام بشیر و مژده دهنده می تواند خرسندی
 و مسرتی را که از پیدایش صاحب جهان برای افراد انسان دست
 خواهد داد وصف کرده و بالاخره در قالب الفاظ و عبارات و
 اشاره و کنایات در آورده ولی افسوس که انسان سرکش هر قدر
 نصیحت و بند شنیده و ایات خداوند بر او فرو خوانده شده از مستی
 خود پرستی آنها را نشنیده گرفته و خود را بگری و سنگین
 کوشی زده است و **واذ اتبلی علیه ایا تناولی مستکبرا کان لم
 یسمعهما کان فی اذنیه و قرأ انسانى چنین سزاوار همین عذاب سهمگین**
 است **فبشره بعذاب الیم**
 ۲ - آری طغیان انسان بنیان عاده او نمود ها را بدعای صالح ها و هود
 ها فرو ریخته و روح لوط ها و نوح را بنفرین خود برانگیخته
 است هر وقت این بشر پرشور و شردر یکی از هزاران اسرار بیشمار
 هستی خود را دارا یافته بمیدان غفلت و مستی شناخته است **ان الانسان
 لیطغى ان رآه استغنى**

۳ - قرنی چند است که در سایه تقدیر خداوند خبیر دامان انسان به ثروت های پراکنده خزینه های باد و آب و گنجینه های نهفته خاک و سنگ آکنده شده و اوجهای سپاسگذاری خزینه و گنجینه های حضرت باری را نتیجه دانش و فرهنگ خود دانسته و به مصرف خونریزی و جنگ رسانیده و می پندارد که با این کردار مرگبار نخبه موجودات و اشرف مخلوقات و مصدر حیات و ممت است مادیات او را از جاده ساده معنویات بدور برده و از دیدار آیات و معجزات که ساخته است قلب او در انکار اسرار کرد کاری روا چشم و ز دیدار آثار یزدان نابینا و گوش او از شنیدن ندای خدای بی همتا ناشنواست **ولهم قلوب لایفقهون بها ولهم اعین**

لایبصرون بها ولهم اذان لایسمعون بها

۴ - هواپیما که از آثار گرانبهای این مخلوق بی حقوق است بجای آنکه مرکب سفر بشر شده و با پرواز و پیرامون خانه خدا و مسجد الحرام و مسجد اقصی طواف شود به صرف بیکار و مصاف رسیده مستخرجات دارویی که برای علاج و تیمار بیماران باو دمساز شده بساختن بمب و گاز تخصیص داده کشتی را که با واہتمائی خدا از مخترعات شیخ الانبیا و نتیجه فرمان **ان اصنع الفلک باعیننا** است برنده کشتگان درنده و مواد محترقه و سوواننده از این قاره بآن قاره و ز این اقلیم بدان اقلیم قرار داده است و با آنها بجای بردن خوار بار و مال التجاره تجار از این دیار بآن دیار بمب و آتشبار بکشتار گاههای خونبار میکشاند راههای مستحکم و متین آهنین که قطعات نا جور زمین را بهم پیوند داده و آرامش سفر بشر را باید تامین کند بجمل و نقل سر باز انباز نموده است و چنین نعمتهای بزرگ یزدان را که دسترنج مدنیت چند هزار ساله

فرزندان انسان است باین کردار ناهنجار خود کفران کرده است **ان الانسان لکفور مبین**

۵ - انسان به مخترعات خود که نوعی از رحمت ها و عنایات و قسمتی از ودایع و امانات خداوندی هستند مینازد و نمیخواهد بداند که همان طور که خداوند یکتای توانا آهن را در سنگ و نفت و بتزین را در سینه زمین ودیعت نهاده است. فکر ارتباط و مواد مختلفه موجودات و اختلاط آنها را برای ساختمان مایحتاج او از قبیل ناوها و هواپیما ها و ماشین های جورا جور در نهاد بعضی از افراد بشر نیز ودیعت گذارده و همان طور که هر ابری باوان ریزو هر قوه برق انگیز و هر زمینی نفت خیز نیست هر بشری هم کاشف و مخترع نشده و امانت مخصوص اکتشاف و اختراع در او ابداع نگردیده او است که این ابداع و اختراع را به بعضی از افراد او الهام کرده و بعضی را بر بعضی پیشی و برتری داده تا بعضی کارگر بعضی دیگر شده از آن رحمت ها که عبارت از محصول اکتشافات و اختراعات است برای همه بشر بهره برداری کنند **اهم یقسمون رحمت ربك نحن**

قسمنا ینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیخذ بعضهم بعضاً سخر یا و رحمت ربك خیر ما یجمعون

۶ - انسان نمیخواهد بداند که این اختراعات و اکتشافات که با الهام خفی خداوند علی بدست این و آن در جهان عیان شده است برای آسایش او و همگنان او است همان طور که ابداع کشتی ساده باوحی و الهام آشکار و پنهان یزدان صورت گرفته که از آن در حمل و نقل و صید های دریائی بهره برداری کنند بلطف عیم خود افتخار و استفاده از برق و بخار را بدبگری بخشیده و گره اکتشاف المنیوم یا کائوچو را بدست دیگری گشوده و پیدا کردن

تفت و بنزین را از قعر زمین بهمت دیگری سپرده که از مجموع اینان انسان برای آبادی جهان و ارتباط افراد جهانیان استفاده کرده آسایش بیشتری بدست آورده ایمان او بیشتر و اذعان او بوجود یزدان افزونتر و سپاسگزاری او روشن تر گردد تا در نتیجه **لثمن شکر تم لازیدنکم** و دایع دیگری که در نهاد داب و بادیا در چنک خاک و سنگ است با افراد دیگری الهام و مورد بهره برداری خاص و عام قرار گیرد. با کمال افسوس بشر گرانسره همه آنها را براه کفران انداخته و وسیله تعدی و شرارت و بیماریان و قتل و غارت قرار داده و چنانچه میبینیم و بند نمیگیریم با این نیروهای رحمت الهی بدست خود تولید نیکت و ایجاد عذاب شدید نموده و آنها را در مقاصد پلید بکار میبرد **ولثمن کفر تم ان عذابی لشدید**

۷- آیا انسانی که دنیای خود را مورد تهدید اسباب و ابزار جبر و فشار قرار داده. آیا بشری که نعمتهای گرانبهای رحمانی را بمتاب های شیطانی و ساختمان بعب و گاز و جنگهای جهانگداز تبدیل کرده آیا زنده که اسباب زنده ماندن و زنده نگاه داشتن دیگران را با وسایل میراننده و آلات کشنده و ابزار سوزاننده و مهمات خراب کننده عوض کرده مستحق این زندگی پلید و چنین عذاب شدید نیست و **وهن اعرض عن ذکر ربه فان له معیشتة ضنکا**

۸ - ای انهاییکه از ترس محنت و بلا و بیم قحط و غلا با تنهای لرزان باطراف جهان گریزان هستید وای دارندگانیکه قوت چند وقت خود را گرد آورده عیال و اطفال خود را محترم تر از عیال و اطفال دیگران می شمارید. ای کسانیکه نعمت های خدا را کفران کرده در عین آنکه همسر دیگران و در اصل خلقت با آنان یکسانید خود را اشرف از آنها شناخته نان را بخود گوارا و آنها

را محروم ساخته با آنها معامله بندگانگی هم نکرده خود را در استفاده از لوازم زندگی هم از آنها جلو انداخته ابد، با نبار های خوار بار و سیم و زر بشمار خود مغرور نباشید. که در این معامله ضرر و زیان و کيفر یزدان دامگیر شما است و در انروز که شاید زود تر از چند ماه و سالی بروز کند آن اموال و آن اولاد و آن دارائی و جاه بشما بانه نخواهند داد **لا تلهمکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله و من يفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون**

۹ - هان ای انسان باین قدرت و قوت که انباز هستی مناز ای بشر باین امانات که روزی چند بدست مستمندت سپرده شده است سر میفرز. زیرا داشتن زور و نیرو دلیل دوام ابدی و پیروزی همیشگی نیست فتح و ظفر بد داشتن سیم و زروسپاه و لشکر و شمشیر و خنجر و بالاخره سرباز و افسر نیست مگر تاریخ جهان و اوضاع روزانه همین زمان در برابر تو عیان نیست مگر قدرت تزاربان و حوادث فرانسه و آلمان و بالا و پایین آمدن شاه ایران و نابود شدن هزار ها اشراف و اعیان و گذاشتن ملیونها دارندگان و آفاشدن ملیونها گدایان برای عبرت و درس گرفتن از وضعیت برای تو کفایت نکرده مگر باز برای دیدن و شنیدن حادثات بزرگ تری چشم باز کرده. و گوش فراز داشته ای. مگر تو بعمران جهان بیش از پشیمان خود کوشیده یا از برکات زمین افزونتر از آنان بهره برده ای؟ مگر برهان های خلافتکاری تو ضعیف و ناتوان بوده مگر گفتار بزرگان و پیمبران بگوش تو نرسیده مگر عاقبت بد کاران را نخوانده و نشنیده و بچشم خود ندیده ای؟

پس اگر غذایی بتورو آورد و مشکلی در معیشت تو پیدا شود دلت از غرش حادثات لرزان و خودت از بیم قحط و غلا باین دبار و اندیبار گریزان شه باشی کسی مسئول نبوده کشت جهان را زچه هومیکنی کشته خود را تو درو میکنی

اولم یسیرو فی الارض فینظرو کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کانوا شد

منهم قوه وانار والارض و عمروها اکثر ماعمرها و جاتهم رسولهم

با البینات فما کان الله لیطلهم ولكن کانوا انفسهم بظالمون

۱۰ - اگر از بلیاتی که دیر یا زود ترانا بود خواهد نمود ترسانی! و اگر از مشقت هائی که امروز و فردا بنا دارو دارای تو رو آوراست گریزانی! و اگر گردش جهان را تابع اراده جهاننداری بالاتر از این جهانداران یافته ای! اگر بجان آمده و کاردت با ستخوان رسیده اگر در خلوت و موقعی که بیم و امید از کسی و بکسی نداری و بیدگازی خود اعتراف داری و خود را درادای تکلیف خود گناه کار میشماری! اگر میدانی که فتح و ظفر ایت و آت تغییر در تقدیر یزدان راه نداده و در آخرین روز این روز کار هم که باشد همه اولاد ابوالبشر باید ز صمیم قلب معبود حقیقی خود را پرستش کرده جلب خیر و دفع شر را از او بخواهند! اگر فهمیده که ضعف دلیل مغلوبیت و قدرت دلیل غالبیت نیست؟ تمام آرزوهای نفسانی و اشتباه کاریهای شیطانی را پامال کن و از حالا کردار نیک و رفتار پسندیده را پیشه ساز هرچه داری بیار و بسفره جامه گذار شاید رحمت یزدان بتو پناه داده و از این تپاه روزی نجات یابی - زیرا کس در این در که نیامد باز گردد ناامید - من عمل منکم سوء

بجهالة ثم تاب من بعده واصباح فانه غفور رحیم

ایران از روزن واژه ها

از جمله حقایقی که نزد اهل اطلاع مسلم میباشد این است که زبان هر قوم نماینده فکر و احساسات او است و هر قدر لغتی کاملتر باشد دلیل وسعت اندیشه گروهی است که آن لغت را ساخته اند و بعکس هر اندازه دائره آن تنگ تر باشد از کوچکی محیط تصورات آن گروه خبر میدهد.

لغات راقیه عالم از بست ترین پایه شروع گردیده و در طی ادوار و قرون بی شمار مراحل کمال را پیسوده تا بعدی رسیده که میتواند دقیق ترین معنی را تعبیر کند.

در ابتداء وسیله تفاهم مردم عالم اشاره و بعد تقلید اصوات هر چیز برای فهماندن صاحب آن صوت بوده است و رفته رفته دارای الفاظی گردیده که معانی آنها بتصور نزدیکتر است و بالاخره بعضی دارای همه قسم لغت برای معانی محسوس و معقول گردیده و بصورت یک زبان کامل در آمده است و برخی دیگر در همان تنگنای نخستین باقی مانده است و امروز در لغات موجوده جهان هریکی از این مراحل دیده میشود.

باید گفت ناقص ترین زبانها در میان وحشی های بومی امریکا موجود است که برای فهماندن بیشتر معانی لفظی ندارند و غالباً مقاصد خود را بوسیله اشاره میفهمانند و باین جهت در تاریکی که چشم از دیدن اشارات عاجز است عاجز از تفاهم هستند. گذشته از آنها در میان ملل وحشی زبانهای وجود دارد که لغات آنها تنها برای تعبیر از برخی معانی محسوس کافی است و برای تفهیم معانی مجرد لفظی موجود نیست و البته فقدان

این قبیل الفاظ برای آنستکه مشاعر آن قوم معانی مجرد را کمتر ادراك میکرده است و در این صورت طبعاً نباید الفاظ حاکی از آن رشته معانی و زبان آنها باشد چنانچه در میان ساکنین استرالیا قبائلی وجود دارد که برای سلسله اعداد بجز دو لغت ندارند که یکی (نتات) بمعنی يك و دیگری (نایس) بمعنی دو هست و برای تعبیر از عدد سه نایس نتات و برای چهار نایس نایس و برای پنج نایس نایس نتات و برای شش نایس نایس نایس میگویند و برای تعبیر از هفت و بیشتر حیران و گیج مانده لغت مرادف بسیار بایشمار را میگویند .

ممکن است زبان قومی برای دلالت بر معنی عام لغتی داشته باشد ولی دلالت بر انواع آن معنی عام الفاظی نداشته باشد و این وضع نیز برای آنستکه مدارک آن قوم از تصور شقوق آن معنی عاجز بوده است و بعکس هم دیده میشود که برای افراد يك معنی لغاتی در يك زبان موجود است لیکن مفهوم کلی آن معنی لغتی ندارد و این حالت هم برای قصور اندیشه از تصور معنای کلی است .

بالاخره لغات راقیه جهان قادر بر هر گونه تعبیر و بیان هر مقصودی میباشد و برای تفهیم هر معنی لغتی دارد و البته وجود هر لغت در زبانی اولاً حاکی از سابقه انس گوینده با معنی آن آنست و در مرحله دوم سنخ فکرمثلت از اغلب واژه های زبانش معلوم میشود چه آنکه بیشتر کلمات با اصطلاح دستوری منقول است باین معنی که در آغاز دارای معنایی بوده و بمناسبت آن معنی برای معنی دومی وضع گردیده بلکه تا چندین معنی بمناسبت نقل شده است ، و تصور همان مناسبات میتواند طرز اندیشه ملل را تعیین کند ز بر ادراك این مناسبات تابع خاصیتی

است از روح که عمل دماغی آن در علم النفس و روانشناسی توالی تصورات گفته میشود .

بموجب این مقدمات باید اعتراف کرد که درجه تمدن و معلومات و احساسات و افکار هر ملتی را میتوان از لغات زبانش شناخت و اعتبار این وسیله برای معرفی صفات و خصائص روحی يك قوم کمتر از مدارک کتبی نیست .

روی این رابطه نژاد ایرانی که مدارک کتبی مدنیت و محصولات فکری و اندوخته های علمی او بارها در دست و پای هجوم دشمنان تمدن پامال گردیده و از بین رفته است میتواند از روزنه واژه های زبانش تابش فروزانی بکند و خصائص عالی خود را نمایش دهد با آنستکه زبانش هم مانند دیگر کمالات وی در کشمکش حوادث و هجوم بیگانگان بیشتر لغات خودش را از دست داده است و برای توضیح و اثبات مقصود شرح زیر از نظر خوانندگان محترم سالنامه شوق میگذرد:

الف - از واژه های دوره هخامنشی بر شماره های اندکی دستیابی داریم ولی از همان مقدار کم میشود چیزهایی دریافت که ضمن چند جمله بدانها اشاره میشود :

۱ - نام نه ماه از دوازده ماه معمول در آن دوره در سنگنبشته های شاهان دیده شده بدین الفاظ: **باغ پادیش** - **ادوك نیش** - **آثریادی** - برای سه ماه پائیز **انامک** - **هرغزن** - **وی یخن** - برای سه ماه زمستان . **گرم پد** - **ثور واهر** - **ثای گرچیش** - برای سه ماه بهار و نام سه ماه دیگر که تابستان را تشکیل میداده معلوم نیست .

در این ماهها دو چیز جلب دقت میکند یکی داشتن اسامی ماه ها با ترکیبات پارسی است و این مطلب میرساند که

خودشان مستقلاً در تقویم و محاسبه زمان استنباط و اجتهاد داشته‌اند و اگر مختصر اطلاعی از ملت دیگر اقتباس کرده بودند نام ماه‌ها را هم از زبان همان ملت عاریه می‌کردند چنانچه این‌حال در بعضی زبانها دیده میشود.

دیگر معنی ماه‌ها است چه آنکه از مفهوم بعضی روح مذهبی نمایان است مثل باغبادیش که بمعنی پرستش خداست و نام ماه اول پائیز است که سال ایشان بدان آغاز میگردد است و نمیتوان منکر شده که خداپرستی و اخلاق ستوده با یکدیگر آشنائی دارند در صورتیکه نام ماه اول فرنگی مثلاً ژانویه است و از کلمه ژانوس (۱) نام پادشاه لاسیوم (۲) اشتقاق یافته و در این طرز تسمیه نظر شخصی در کار است یا نام ماه محرم عربی که بمناسبت حرام بودن جنگ در آن ماه این نام گرفته و نشان میدهد که بس جنگ و جدال و چپاول و غارت در میان ملت عرب متداول بوده است برای آنکه نفسی راست کنند در برخی ماهها جنگ را بموجب قرار داد حرام کرده بودند که از آنجمله محرم است.

نام بیشتر ماه‌ها هم از طبیعت فصل انتزاع گردیده است مثل گرم پد که نام ماه اول بهار است و بمعنی پای گرما است و چون در احساس ما از آن موقع درجه گرما صعود می‌کند اول گرما را پای گرما تعبیر کرده‌اند چنانچه اول دیوار را پای دیوار و اول کوه را پای کوه می‌گویند و جدیدترین طرز تسمیه ماهها نیز از همین مناسبت اقتباس گردیده است چنانچه در نام‌گذاری ماههای ملکی همچون

۱- Janus - ۲ Latium ، ناحیه ای است واقع در ایتالیای مرکزی که سکنه آن ملت لاتین را تشکیل میداده است.

گرما خیز - جهانتاب - سرما خیز و غیره این مناسبت را در نظر داشته‌اند و نیز در نام‌گذاری ماه‌های تقویم جمهوری فرانسه که بسال ۱۷۹۳ میلادی وضع شده همین نوع مناسبت ملحوظ بوده است ؛ مثلاً نام ماه اول پائیز وندمیر (۱) مشتق است از وندانز (۲) بمعنی انگور چینی و نام ماه دوم برومر (۳) مشتق است از بروم (۴) که بمعنی مه و نزم است و بفارسی معنی این دو ماه انگور چین و مه خیز می‌شود و هکذا در باقی ماه‌ها تقویم نامبرده همین نوع مناسبت در تسمیه منظور گردیده است که بفارسی شبنم آور- برف‌بیز باران ریز و غیره تعبیر میگردد و آشکار است که این قسم نام مقصود حقیقی از تسمیه را ایفا میکنند و از این جهت است که حضرت علی علیه السلام با بوالاسود دثلی در مقام تعریف اسم میفرماید : الاسم ما انبأ عن المسمى یعنی نام است که از نامیده خبر دهد .

۲- نامهای پارسی برخی اندازه‌ها همچون پرهنا اسپرسا - انکشته - گاما (۵) و غیره حاکی است که درجه‌مدنیت ایران باستان اقتضا کرده است تا برای سنجش و پیمایش اندازه‌ها مقیاساتی وضع کند و تنها بکاربردن آن از مردمان بیگانه اکثفا نکرده است .

۳- کلمه خشای ثی ی که امروزه شاه تلفظ میشود و در آن دوره عنوان زمامداران کشور بوده است نشان میدهد که بزرگی مقام سبب نمیشده است که این اشخاص دیگر

۱- Vendemiare - ۲ Vendange

۳- Berumeire - ۴ Berume

۵- تلفظ امروزی بترتیب فرسنگ اسپرس - انکشت - گام.

خود را نشاناسند و خویشتن را بسر خدا به نامند چنانچه
فقفور تحریف بغ پور بدن معنی است یا بسر آفتاب بشمارند
چنانچه فرعون آن معنی را دارد بلکه عنوان شان کلمه خشای
ئی می بوده که تلفظ قدیمی شاه است که بمعنی بزرگ و برجسته
است و بنا بر حدس نگارنده باید با شایسته و شایان و ستایش
و می شاهد که بمعنی درخور و لایق و برازندگی است از یک
مصدر وریشه باشد .

۴ - کلمه **هخامنش** که نام جد شاهان هخامنشی
است از یک آرزوی بزرگ اخلاقی خبر میدهد زیرا معنی
آن محبوب لقلب و محبوب الطبع است چه آنکه جزء اول
(هخ) با خواستن از یک ماده و میءاء است و جزء دوم (منش)
همان است که امروز بمعنی طبع استعمال میشود و معلوم است
که کسی میتواند در دل مردم جایگزین گردد که رفتار و گفتار
او برای عموم سودمند باشد و خوی ستوده او پسند همگان
واقع شود و ملتی که بفرزند خود چنین نامی میدهد این نوع
آرزوها را در دلش میپوراند .

۵ - کلمه **ارت خشتر** که بعداً اردشیر تلفظ شده و نام
یا عنوان برخی شاهان بوده و بتعبیر امروزه باید قانون و نظم
مملکت معنی شود چه آنکه جزء اول آن (ارت) بمعنی نظم
و قانون میداده چنانچه همان کلمه در ترکیب **ارته** و **هشته** (اردیبهشت)
ماده و تقویم اوستائی همین معنی را دارد در زبان لائینی که از خانواده
آرین است کلمه ارد **Ordo** بمعنی نظم و قاعده و قانون و نظایر
این معانی است و در زبانهای مشتق از لائینی همین معانی را
میتهد و در برخی لغات انگلوساکسون معنی **قضا و احقاق**
حق از این ریشه استفاده میشود که از عالم همین معانی است ،

جزء دوم که (خشتر) باشد تلفظ قدیم شهر است چنانچه شهر بان
خشتر پاون گفته میشود و شهر به خشتریات تلفظ میگرددیده است
و این ماده با هر دو تلفظ بمعنی مملکت و کشور بوده است و لفظ
شهر بمعنی کشور در اشعار فردوسی بسیار دیده میشود مثلاً در
داستان رجز خوانی رستم برای خونخواهی سیاوش میگوید:
نه توران بمانم نه افراسیاب ز خون شهر توران کنم رود آب
و در چند شعر پیشتر میگوید :

همه شهر ایران بمانم شدند برازغم بنزدیک رستم شدند
مطلبی که در اینجا میماند تا معلوم شود که کلمه خشتر در ترکیب
ارت خشتر بمعنی شهر بوده است که تلفظ اخیر آن چرا اردشیر
هست؟ نه اردشهر . و راه آوردن این بخش هم سهل است چه آنکه
تبدیل ث به ه و بعکس در پارسی قدیم خیلی معمول بوده و تبدیل
ث به ی کمتر دیده شده است و بنا بر این گویا اصل اول نخست
بصورت اردشهر در آمده و بعد بصورت اردشیر ولی اگر بواسطه
هم بصورت اردشیر در آمده باشد منافاتی با اینکه در ترکیب
اصلی بمعنی شهر باشد ندارد چه آنکه در بودن خشتر بمعنی شهر
تردید نیست و در اینصورت استفاده معنی نظم کشور از کلمه
ارت خشتر بی اشکال است .

بالاخره با این تقریب معلوم میشود دودمانی از شاهان
که این نام را با فراد خود میدهد یابند و مقید است که در
عین حکومت مطلقه راسم نظم و قانون مملکت باشد و شاید
به همین نظر اسکنند هم خودشرا اردشیر چهارم نامیده است .
(تأویل معنی اردشیر استنباط نگارنده و حدس است . اگر
دانشمندان معنی دیگری کرده باشند عذر میخواهم ولی معنی
شیر خشمگین یا شیر مانند که بعضی فرهنگ نویسها گفته اند دور

از تحقیق است).

۶- کلماتی که بر مشاغل و مناصب دلالت دارد میرساند که تشکیلات کشوری نیز بجدی از کمال و استقلال بوده که برای تفهیم مشاغل مختلفه آن لغاتی پارسی بوجود آمده است مانند **خشتر پاون** پیکفته بمعنی شهربان - کارانس (رئیس امنیه) ارگ پات (دژبان) و غیره

۷- **تچه** که بمعنی خانه زمستانی است میرساند که معماری آنها در مقامی از کمال بوده است که مسکن زمستانی طرح و موقعیت مخصوصی داشته چنین هم بوده است زیرا عمارتهای باین نام را روی جنوب می ساخته اند.

این بود اشاره‌هایی که از برخی واژه‌های دوره هخامنشی دریافت میشود و اگر کسی دقیق شود میتواند از این راه در لغات آن دوره مطالب بسیار دیگری استنباط کند.

ب- از پارسی باستانی که بگذریم و بلغاتی که از دوره پیش از اسلام ایران بدوره بعد از اسلام مانده متوجه شویم پیداست که در تمدن اسلامی بیشتر لغات و اصطلاحات علمی و عمرانی از زبان ایرانی گرفته شده است.

با آنکه اسلام ملل متمدن بسیاری را تحت حکومت داشت و البته این اصطلاحات که بازمانده و یادگارهای دوره ساسانی و زبان پهلوی است گواهی میدهد که در آن دوره علم و عمران وسعتی بسزا داشته و اینک برخی از آنها:

کتاب **مفاتیح العلوم** تألیفی است از ادیب لغوی شیخ ابی عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی و تقریبی که از مطاوی کتاب بدست می آید در اوایل قرن چهارم هجری تصنیف کرده است برای اولین دفعه در سال ۱۳۴۲ هجری در مصر

طبع شده و یک قسمت آن را ذکر اصطلاحات علمی و غیره اشغال کرده است و آنچه بمقصود ماساکم میکند از آنجا اقتباس و در زیر نوشته میشود:

اصطلاحات دفتری و تشکیلاتی - رزنامج:

دفتر رزنامه که هر درآمد و بیرون رفتن روز بروز در آن نوشته میشود و ثبت میگردد - **اوارج** معرب اواره: دفتر منقول که حساب هر کس از دفتر کل بانجا نقل می شود دیوان (**کستمزود**) معرب کاست و فزود: دفتری است که خراج هر یک از مالکین آنها و آنچه از یک نفر کاسته و یا براو افزوده می شود یا از نام یک نفر بنام شخص دیگر انتقال می یابد در آن ثبت میرسد. **داد دفیره**: نگارش فرمانها و احکام. **شهرهاردفیره**: نوشتن حساب دربارشاهی **گنج هماردفیره**: نوشتن حساب خزینه. **آهر هماردفیره** نوشتن حساب اصطلها. **روانگان دفیره**: نوشتن اوقات (شاید مقصود تقویم است) **صک**: چک که حواله خط است **جزیه**: گزیت. **طسق**: معرب تشک کلمه پارسی که بمعنی مزد است: وظیفه ای است که بر اصناف زراعت برای هر جریبی وضع میشد - **برید**: کلمه پارسی واصل آن بریده دم است که تخفیف و تعریب شده: چاپار و در ابتدا این نام بستورهای حامل نامه ها داده شده بود که بواسطه سهولت حرکت دم آنها را میبریده اند و بعد غلام بست که سوار آنها میشده نیز برید نامیده شده و مسافتی که بعدش دو فرسنگ بوده برید نامیده شد. **اسکدار**: معرب (از کوداری): طوماری که در آن امانات و نامه های صادر

وارد بستی و قام صاحبان آنها تبت میشود -

اصطلاحات علمی و ادبی - تاریخ معرب و مأخوذ

از مهروز کلمه ارانی است - هندسه : معرب اندازه است و آن علمی است که بیونانی جو مطریا نامیده اند و در عبارات پارسی است که (اندازه با اختر ماری باید) یعنی یاد گرفتن علم نجوم بدون داشتن هندسه ممکن نیست - زیج : معرب کلمه زه پارسی است که مرادف و ترعربی میباشد و آن نام فنی بوده از نجوم و هیئت - زایچه : صورت مربع یا مدوری است که برای نشان دادن جایگاه ستارگان در آسمان میسازند تا از روی آن برای ولادت یا غیر ولادت حکمی استخراج شود و اشتقاق آن در پارسی از زایش است و بعد از تعریب زایچه گفته شده است .

جوی راست : کلمه است پارسی و معنی اصطلاحی آن مطالع مستقیم فلك است و آن قسمتهائی است از معدل النهار که در خط استوا با قوسهای فلك البروج طلوع میکنند - جوزهر : کلمه ای است معرب و اصل پارسی آن گوز چهر و بنا بقولی گوی چهار است و در اصطلاح هیئت و نجوم بمعنی عقده راس و ذنب است - اوج : بلند ترین نقطه از فلك خارج مرکز یعنی دور ترین نقطه آن از زمین است و این نقطه معرب کلمه اوک پارسی است . گندور : کلمه ای است پارسی و مقصود از آن حرکت ویژه ستاره در فلك تدویر است . - نهندر : معنی آن حاصل تفریق حرکت شبانه روز ستاره از حرکت شبانه روز خورشید و بعکس آن است . - بطیارج : معرب پتیاره و بمعنی وبال است و آن بودن ستاره سیار

در برج هفتم خانه خودش است . - هیلاج یکی از پنج چیز : خورشید - ماه - طالع . سهم السعاده - جزو الاجتماع یا (جزو الاستقبال) است و همه اینها را از ادله عمر میسر کرده اند و گفته اند که هیلاج در پارسی بمعنی زوجه و کدخدا بمعنی شوهر است که صاحب خانه باشد و مراد از آن اختری است که بر هیلاج استیلا دارد و از امتزاج آنها اندازه عمر معلوم میشود . - جان بختان معنی آن تقسیم کننده روح است و آن چنان است که سیر درجه طالع بسمت سعادت یا نحوست است و خداوند حدی را حرکت بدو منتهی میشود جانبختان مینامند که بمعنی که بخشگر زندگی است . -

اصطلاحات جراثقال - بارم و بیرم : اهرم - گردون

و گردونه : دستگاه جرثقیل - آبدزدك : بهمین اسم معروف است میدزد : از آلات حیرت انگیز است .

آلات هندسی - پرکار ، شاغول ، گونیا

آلات کیمیا - بو طق : معرب بوته - بو ط ابر بو ط : بمعنی

بوته ای است که بالای بوته دیگر قرار گرفته و طرف تحتانی آن سوراخی دارد که بیوته زیرین مربوط است و توسط گل شد وصل شده است و جسم ابتداء در بوته بالا گذاخته میشود و از آنجا بیوته زیرین میریزد و تقاله آن در بوته بالا می ماند طابستان : معرب تابستان و آن کانونی است از آلات کیمیاگران این بود قسمتی از اصطلاحات عمرانی و علمی که از مفاتیح العلوم نامبرده نقل شده و پارسی بودن آنها پیداست بجز

کلمه هیلاج که باید پارسی نباشد و در اصطلاح زایچه بینی در مقابل کدخدا کدبانو مصطلح ایرانی بوده است .
 ج - پاره ای هم از اصطلاحات علمی و ادبی در فرهنگ های پارسی که در دست است دیده میشود که باید تحقیقات بیشتری در ریشه و ساختمان آنها بعمل آید تا مرتبه اول معلوم شود که همه آنها پارسی است یا برخی از آنها دخیل است و در مرتبه دوم بدست آید که چه مقدار از آنها مربوط بدوره ماقبل اسلام و جزو اصطلاح است نه ترجمه و اینک برخی از آن اصطلاحات :

اصطلاحات ادبی

فرهنگ : ادب	واژه : کلمه	نوله : کلام
بخش : نثر	بر بسته : نظم	سرورار : شعر
چامه : شعر	چکامه : شعر و قصیده	سروا : حکایت
پساوند : قافیه	پروک : معما	چیستان : لغز
پهرست : فهرست	برنامه . برنامه	کواسه : کتاب
برآمدگاه : مصدر	بر بست : علم نحو	بخش : علم صرف
کشاک : ضمیر	نورند : ترجمه	همیراز : ترجمه
وستی : شرح و تفسیر	پای چم : ترجمه تحت اللفظی	

خود کلمه ترجمه را هم مأخوذ از ترجمان و آنرا معرب تر زبان میدانند .

اصطلاحات علمی

آزار : بسیط	کامود : بسیط	اشکیود : مرکب
آمیزه : مرکب	پیوست : مرکب	خدیه : مطلق
موکده : مضاف	تاود : عرض	گوهر : جوهر

ناور فر تاش : عین الوجود - زاور فر تاش : جمیع الوجود - همادی : کل
 باز تازی : جزئی بشین : ذات فروزه : صفت
 اسر فر جاوید : ازل ابن جاوید : ابد اربش : هویت
 کپرده : دور رورده : تسلسل فرنود : برهان
 بهره بود : علت بوباش : قدیم سترسا : حاسه
 سنباد : قوه عاقله سمرا د : توهم و اندیشه کیود : حس مشترک
 کی : عنصر اخشیج : ضد عنصر نیور : کائنات جوی

اصطلاحات ریاضی

اندازه : هندسه	کشمیده : خط	کشمیده گرد : دائره
برهون : محیط	وندسار : مرکز دائره	
کشکهای پرتوی : خطوط شعاعی		
گوشه : زاویه که از تلاقی دو سطح حادث میشود		
بردال - پرگال : پرگار	گونیا : گنج باب	
تراز : ابزار تعیین سطح افقی - شاغول	ابزار تعیین سطح عمود بر افقی	
اوار : حساب	خیبره : حاصل جمع	
آمار : «	چیبره : «	
همار : «	زیگ : نام علمی که تقویم از آن استخراج کنند	
مار : «	همودل : رصد کواکب	
مر : «	هودل بند : راصد	
شمار : حساب	کلمه رسد با املاء سین نیز پارسی	
اماره گیر : محاسب	است که بمعنی غور و کنجکاوی	
	است و گویا بارسیدگی و واریسی	
	از یک ریشه باشد ولی رسد اصطلاح	

نجومی گویا از عربی گرفته شده است
اصطلاحات عرفانی . تصوفی . مذهبی

بیناب : چیزهایی که در حال مکاشفه دیده میشود
 فرتاد : مکاشفه تپاسید : مرتاض
 تنگیار : مقام وحدت حرفه فرتود : اشراق
 هرتاسب : حکیم اشراق فرزندشای : مقام فرقی
 سرتاسب : حکیم مشاء نشیب سار : «
 آرنک : عالم لاهوت سمروود : مقام جمع
 ستارنگ : عالم ناسوت سمروود سمروود : مقام جمع الجمع
 بیرنگ : عالم علوی گروند گروند : «
 رنگ : عناصر فرهنگسار : انتقال روح بمقامی بالاتر
 از جسم اول

نیوچمینه : ملکه خلع بدن که برای اولیاء دست میدهد
 فرجود : معجز و خرق عادت
 وانوش : انتقال روح پس از مرگ بتن انسان دیگر
 فرداب : وحی

وخش : قوه ای دریغ مبر که در بر تو آن صاحب کشف و الهام میشود
 و خوشود : پیغمبری یعنی صاحب و خوش و و خوش همان بخش است
 جانورسار : انتقال روح انسان بعد از مردن بجسم حیوان
 انداخت : انتقال روح به پیکر نبات بعد از انسان
 استوار : تعلق روح بجماد بعد از انسان اصطلاح تناسخی

اصطلاحات طبی

بیمارستان : مریضخانه که معرب مارستان است

دلم : شرا
 آبن : ظرفی است برای استحمام طبی کیه ها : قوبا
 برسام : ذات الجنب هزار چشمه - کفگیرک : نوعی از سرطان
 زهر با : خناق کچوک - کهنکو : عرق النساء
 خفگان : خفقان بازهر : تریاق
 یاددژ نام یا بادشنام : مرضی است جلدی که اغلب در صورت
 مریض بروز میکند
 باد کند : ورم بیضه بادرنگ : غمیاد
 رامغول : سلعه پخته گاو : نطول
 پرزه : فرزجه (معرب) خوره : جذام
 پاغر : داء الفیل پیسی : برص
 بارفت : اسهال نستاک : پیچش شکم

ابزار جنگ

دیک رخشنده : توپ کشکنجیر : توپ
 این سلاح آتشین در ایران باستان معمول بوده است ولی بشکل
 توپهای امروزی نبوده ، حکیم اسدی در گرشاسب نامه ضمن
 داستان قتل نریمان گفته است :

یکی دیک منجر در آن قلعه بود
 که تیرش بد از سنگ صدمن فزود
 به دارو مر آن رعد انباشند
 همه روز تا شب نگهداشتند
 از آن برج آن سنک آمد رها
 بدان آتش دود چون اژدها

ز باره چو آن رعد انداختند

جهان از نریمان بپرداختند
شمالی دهستانی گفته است :

چنان شود سوی دشمن شهاب کینه او

که تیر تاب گرفته جهد زکشکنجه

کلمه کشکنجیر مرکب است از کوشک بمعنی قصر و انجیر
بمعنی شکاف و حاصل معنی قصرشکاف است .

داروئی هم که در شعر اسدی است اگر باروط باشد
با آنکه افسانه است میتوان گفت که باروط هم از مخترعات
ایران است چه آنکه داستان هم شایبه ای از حقیقت دارد ،
این بود اندکی از کلمات و اصطلاحات علمی بزبان ایرانی
که در فرهنگها دیده میشود و از آن قبیل بسیار هست

د - همینکه از اصل لغات و اصطلاحات که در جای
خود حاکی از وجود همه قسم علوم است در ایران باستان
بگذریم و بتناسب لحوظ در وضع این واژه ها متوجه گردیم
در کمال روشنی مانوسات دماغ ایرانی را از کلمات زبانش
مشاهده خواهیم کرد و برای نمونه اینک چند مثال :

۱- فرهنگ واژه ای است بجای کلمه ادب عربی و فرهنگ
تبدیل آن است و فرهنگیدن ادب کردن است و فرهنگ پیراستن
درخت است و علومی که حدود اعراب و حرکات و ماده و صورت
لغات و اشتقاق آنها را نشان میدهد در عربی ادبیات و در ایرانی
فرهنگ میگویند و بدین مناسبت بیشتر کتب پارسی که در این
موضوع تألیف گردیده همین نام را داشته همچون فرهنگ
جهانگیری و فرهنگ سروری و غیره ، اکنون باید دید فرهنگ

از چه ریشه آب میخورد و ادب از چه ریشه ؟

فرهنگ ترکیبی است از دو کلمه : فر - هنک . فر معنی
شان و شوکت و رفعت و زیبایی و نور و روشنی از آن استفاده
میشود و مناسب آن است در لفظ و مفهوم (بر) بمعنی بلندی
و رفعت و (بر) که آلت بلندی و صعود است و برش و پرواز هم
از آن ساخته شده است و البته کلمه فار phare واصل یونانی
آن که بمعنی منار است نیز با این کلمه رابطه دارد و هنک مخفف
آهنک است و معنی اصلی آن کشیدن و کشش هست و در معنی
قصد که استعمال میشود بهمین مناسبت است چه آنکه در قصد
نخست کشش عضلات است و این کلمه بهتر از قصد ایفاء معنی
میکند و در معنی خوانندگی هم بمناسبت معنی کشش استعمال
میشود چه آن نیز کشش صوت است .

و خلاصه از ترکیب این دو ماده مفهوم کشش به بلندی
و بزرگی بدست می آید و بزرگی نتیجه ادبست .

و اما ادب معانی اصلی آن یکی دعوی و خواندن است و از
آن گرفته شده است کلمه ماده و معنی آن غذائی است که در دعوتها
و مهمانیها تهیه میشود و اگر چه جمعی معتقدند که معنی اصطلاحی
ادب از این معنی گرفته شده است چه آنکه علوم ادبی انسان را
بصفت ستوده میخوانند لکن این را نتوان مناسبت گرفت چه آنکه
خواندن اعم است از اینکه بطرف خوبی باشد یا بدی و معنی دیگر
رام کردن است و عرب شتر رام را ادیب میگوید چنانچه عقیلی
گفته است ،

و هن یصرفن النوی بین عالچ

و نجران تصریف الادیب المدلل

و البته ادب بمعنی اصطلاحی نظر باین معنی لفظ گرفته شده است

این است مانوسات دماغ عرب و آن است مانوسات دماغ ایرانی .
باز مقایسه میکنیم فرهنگ واژه ایرانی را بامرادف آن
کلمه لی ترا تور Litterature لغت فرانسوی و اصل لاتینی آن
لی نوم Linume لاتینی است که بمعنی کتان و تار کتان
است و بر رابطه شباهت در شکل حرف لی ترا Littera نامیده اند
ولی ترا تور بمعنی ادب و فرهنگ از آن اشتقاق یافته است حکومت
در این مقایسه و تعیین نتیجه بنظر خواننده واگذار میشود .

۴- واژه لغت ایرانی است و مرادف آن در عربی (کلمه)
و در لاتینی موت بوم Mutum است .

واژه از خانواده واج بمعنی گفتن و برسیدن است و وات
بمعنی سخن گفتن است باباطاهر میگوید : ای واجی چرابی نام
و تنگی - بنابراین واژه از طایفه کلماتی است که معنی گفتن در
آنها افتاده است و (کلمه) مشتق از کلم بمعنی زخم زدن است
و Mutum لغت لاتینی بمعنی صدای بچه خوک است .

۳ - کلمه آسمان و کلمه سپهر که در واژه های
دوره هخامنشی نیز بانلفظی نزدیک باینها وجود داشته و کلمه
گردون و کلمه چرخ مرادف (سماء) عربی هستند لکن
سماء مشتق از سمو است که معنی بلندی می دهد لکن
آسمان مرکب از (آس) و (مان) است که مانند آس در
گردش است و سپهر بمعنی کره است و باین جهت کره آتش
را که از معتقدات قدما است سپهرارمینامیده اند و هنوز در
لغات باقی مانده از آن ریشه معنی چرخ و پیچ افتاده است
مثل سپار که چرخ فشردن انگور است و سپردن که بمعنی
درنوردیدن و بهم پیچیدن است و شاید کلمه phaire یونانی
که بمعنی کره است با آن از یک اصل باشد و کلمه گردون

مشتق از گرد و گردش و لفظ چرخ مأخوذ از چرخیدن است
و از اینجا معلوم میشود که عرب بلندی آنرا حس می کرده
که لفظ سماء را بر آن اطلاق کرده و ایرانی گردش و کرویت
آنرا و اگرچه در تحت لغت فلک عربی هم معنی استداره
و هم معنی گردش افتاده است ولی در زبان ایرانی درهمه
واژه های مرادف آسمان معنی گردش خوابیده است و در
عربی این طور نیست و در عین آنکه امروز خلاف این
قضایا که وجود فلک و گردش آن باشد ثابت گردیده لکن
ملحوظ بودن این مطالب در منظره عادی و طبیعی روشنی
فکر صاحب زبان را بخوبی میرساند .

۵ - در لغات اروپائی هم لغاتی پیدا هست که از
بودن علوم در ایران باستان خبر می دهد و از آن جمله کلمه
Mogie فرانسوی و اصل یونانی آن Mogeia هست .
این لغت کارهای خارق العاده و شگرف و امور فوق الطبیعه
را میفهماند و مأخوذ از ماژ و مغ کلمه ایرانی است و چون
در ایران باستان مغ ها که علماء ایران بوده اند از علوم
نجوم و زایچه بینی و کیمیا و دیگر علوم غریبه اطلاع کامل
داشته اند و کارهایی میکردند که دیگران از فهم اسرار
آن عاجز بوده اند بطور کلی کارهای خارق العاده را ماژی
می گفته اند و دور نیست که کلمه معجزهم مأخوذ از کلمه ماژس
باشد چه آنکه در عربی فسیح بیشتر بجای معجز آیت استعمال
کرده اند چنانچه در قرآن و اشعار فصحاء پیدا است ابوالعلاء
معری میگوید : قد امترت صحابة موسى بعد آیاته التسع
چون این رشته سردراز دارد با آنچه نوشته شد اکتفا
و مبحث را خاتمه میدهد .

آبانماه ۱۳۴۰

س . محمد علی . سجادی بیرجندی

گزارش یکساله کشور

یا

يك صفحه از تاريخ جاري ايران

در جریان سال جاری یعنی مدتی که تا با امروز منتهی میشود در داخله کشور حوادث بسیار مهم و قابل ملاحظه ای رخ داده است که بررسی آنها از هر جهت برای فهم و ادراك اساس مطلب ضروری است بهمین جهت تصمیم بر این گرفته شد که در تهیه خبرهای داخله کشور (برخلاف سالهای پیش) سعی و اهتمام بیشتری بکار رفته در عین حال تغییراتی نیز در طرز نوشتن آنها داده شود و حق این موضوع مهم تا آنجائیکه مقدور است ادا شود.

هیچ محل تردید نیست که از سه ماه آخر سال ۱۳۱۹ تا سوم شهریورماه ۱۳۲۰ که حادثه هولناکی رخ داده و در تمام شئون زندگانی افراد جامعه ایرانی تأثیر کرد اقداماتی بعمل آمده و در داخله کشور کارهایی صورت گرفته که تا اندازه ای در خور اهمیت میباشد ولی برای اینکه جریانات از سوم شهریورماه بیحد بطور مبسوط تشریح شود از ذکر وقایع (از دیماه ۱۳۱۹ تا مرداد ۱۳۲۰) خودداری میکنیم.

پیش از سوم شهریور ۱۳۲۰ - در روزهای آخر مرداد ماه گفتگوهای در جریان بود و در محافل ذی علاقه و کنجکاو پایتخت زمزمه هایی پیچیده و چنان بنظر میرسید که بهمین زودی حوادثی رخ خواهد داد، از مدتی پیش اینطور

شایع شده بود که نیروهای انگلیس در مرزهای عراق و در قسمتهای کرمانشاه تمرکز یافته و هر روز نیز واحد هائی از نیروهای امپراطوری بآنها ملحق میشود در ضمن گفته میشود که دو دولت روس و انگلیس بدولت ایران یادداشتی داده و راجع بآلمانیهای مقیم ایران تضمین هائی خواسته اند ولی از اساس مذاکرات و گفتگوهای نمایندگان دو دولت روس و انگلیس و وزارت امور خارجه ایران که در آن موقع بمعاونت آقای عامری مشغول کار بود هیچ کسی خبر نداشت در صورتیکه حق این بود که ملت از نظریات دولت خود اطلاع داشته باشد. در همین هنگام چند طبقه از سربازان ذخیره و احتیاط که فرمان تعلیماتی آنها در بهار صادر شده بود بنوبه در سربازخانه ها گرد آمده و خدمت یک ماهه خود را انجام میدادند. اقدامات سیاسی برای حل این مشکلات تنها با نظر و دستور شخص شاه وقت بوسیله وزارت امور خارجه انجام میگرفت اقدامات لشگری نیز بوسیله ستاد ارتش که ریاست آن باتیمسار سرلشگر ضرغامی بود فقط بفرمان شاه بکار بسته میشد ولی متأسفانه بدبختانه هیچ يك از این اقدامات کوچکترین تأثیری در تغییر اوضاع نداشت و هر اندازه که واحدهای اهواز و سایر پادگانهای خارج از مرکز با ارسال مهمات و مواد جنگی از پایتخت تقویت میشدند اوضاع عمومی بیشتر بوخامت میگرایید مثل این بود که همه اهالی منتظر وقوع حوادث و پیش آمدهای ناگواری هستند که هر چه زودتر باید صورت گیرد.

طبق تحقیقات جامع و دقیقی که بعمل آمده و یادداشتهای دو دولت انگلیس و روسیه حاکی است و ما بدرج يك آنها بنوبه خود از لحاظ ثبت در تاریخ اقدام خواهیم کرد. موضوع

اساسی استفاده از راه آهن سرتاسری ایران بوده که خلیج فارس را آبادریای خزر مربوط میسازد.

پس از شروع جنگ آلمان و روسیه این احتمال هر روز قوی تر میشد که ممکن است دولت انگلیس بمنظور کمک بروسیه و رساندن مهمات و اسلحه به لشکریان شوروی نیازمند این خط آهن باشد بالاخره این حقیقت تحت عناوین دیگر و بهانه جوئیهای مختلفی جامه عمل بتن گرفتار و دو دولت شوروی و انگلیس در يك آن بدولت ایران یاد داشت دادند که باید آلمانیها از ایران بیرون روند و امتیازات جنگی بآنها داده شود اینها مسائلی است که مادر ظاهر امر از آنها اطلاع داریم و ممکن است در پس پرده چیزهای دیگری باشد که جز و اسرار سیاسی وزارت امور خارجه است و باین زودی نمیشود بآنها دسترسی پیدا نمود ولی یکی از مراحل گفتگوی وزیر مختار انگلیس و آقای عامری را که حکایت کننده آن یکی از مردان موثق کشور بودند در اینجا نقل میکنیم :

در یکی از روزها وزیر مختار انگلیس بوزارت امور خارجه رفته و پس از گفتگوی مفصل با آقای عامری معاون وزارتخانه درخواستهای قبلی خود را تکرار و اظهار مینماید :

بشاه ایران بگوئید که دولت پادشاهی و امپراطوری انگلستان براه آهن سرتاسری ایران نیازمند است و این خط تا پایان جنگ بایستی در اختیار نیروهای مسلح امپراطوری قرار گیرد تا ما بتوانیم به متحد خود دولت اتحاد جماهیر شوروی آنچه را که لازم است کمک کنیم در ضمن خاطر نشان میکند که این درخواست حتماً باید انجام پذیرد آقای عامری در عصر یافردای همان روز با شتاب تمام به پیش شاه رفته و قضایا را عرض در ضمن تکرار میکند که اگر دولت این درخواست را با مسالمت انجام ندهد حوادث وخیمی رخ

خواهد داد ، شاه پهلوی با کمال اوقات تلخی بدون اینکه در باره سرنوشت این ملت بیچاره فکر کند میگوید : اگر انگلستان احتیاج براه آهن ایران دارد باید ۵۰ میلیون دلار بمن بدهد تا با درخواست او موافقت کنم .

آقای عامری بایک حالت بهت زدگی و تعجب از کاخ سلطنتی بیرون آمده و نتیجه مذاکرات خود را بشاه در فردای آنروز بوزیر مختار انگلیس باز میگوید وزیر مختار در پاسخ تنها خنده ای کرده و سر خود را تکان میدهد .

شتاب و عجله نمایندگان انگلیس و روسیه در اخذ نتیجه از اقدامات خود لاقیدی و بی فکری سران دولت در اتخاذ يك رویه قطعی عواقب بسیار وخیم و ننگ آوری را برای کشور پیش آورد و گرنه ممکن بود از روی عقل و اندیشه بادرخواست دو کشور همسایه موافقت کرد و هر چه را میخواستند تحت يك شرایط معین در اختیارشان گذاشت این کار چنانچه همه خوانندگان گرامی اطلاع دارند عملی نشد و کشور فلک زده و مردمان بی سرپرست آن دوچار بدترین بدبختیها شدند اینک شرح این حوادث بشرحی است که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد :

روز سوم شهر یورماه ۱۳۳۰ - روز سوم شهر یورماه بالاخره کاری که نباید رخ بدهد عملی شده و نیروهای انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی از مرز گذشته و شروع به پیشروی بطرف پایتخت کردند بلافاصله اوضاع مملکت عوض شد و لازم بود که دولت ملت را از جریان امر مستحضر دارد اینجا دیگر از مراحل طی نمود که بی اطلاع ملت (ملتی که بیست سال بتمام بستیها و بدبختیها تن در داده و آخرین نفس خود را میکشید) کاری انجام داد .

هیچکس نمی دانست که چه کاری باید انجام دهد شیرازه

کارها فوراً ازهم کیسخته شده در وزراتخانها نظم و انتظامی دیده میشد و نه ستاد ارتش توانایی داشت که مهم امور را بدست گرفته و با این حادثه اسف انگیز مقابله کند شخص اول کشور نیز با کمال اوقات تلخی در کاخ سعدآباد نشسته و تنها کاری که انجام میداد بشماره مسلسل‌های سعدآباد میافزود.

جلسه فوق العاده مجلس - هوا خیلی گرم بود هنوز اهالی پایتخت از لباس سفید و کفشهای تابستانی خود دست نکشیده بودند ولی انتشار خبر پیشروی واحدهای انگلیس و دولت اتحاد جماهیر شوروی و حمله هوایی به چندین شهر و بر خورد های محلی برخی از پادگانهای ایران با واحدهای انگلیس و روسیه مردم پایتخت را بیش از اندازه عصبانی و مضطرب کرده بود در همین ضمن خبر داده شد که جلسه فوق العاده مجلس شورایی ملی تشکیل میگردد. در همان عین که مجلس شورایی ملی تشکیل مییافت ۷ هواپیمای بیگانه در آسمان تهران پیداشده و باد داشت هائی از طرف انگلیس بشهر میریختند ، شرح جلسه و گزارش آقای منصور نخست وزیر وقت بدینقرار بود :

آقای رئیس مجلس - (حسن اسفندیاری) پس از تشکیل جلسه آقای رئیس اظهار داشتند : بطوریکه آقایان اطلاع دارند میبایستی جلسه مجلس در ۹ شهریورماه تشکیل گردد ولی چون آقای نخست وزیر لازم بود گزارشی به مجلس بدهند باین جهت امروز بعد از ظهر جلسه فوق العاده مجلس تشکیل گردید .

آقای نخست وزیر (علی منصور) - مطالبی که حالا باطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی می باشد که روی داده است آقایان نمایندگان در این

موضوع هرگونه اظهاراتی داشته باشند تمنی میشود به جلسات بعد موکول دارند. بطوریکه از ابتدای وقوع جنک کنونی بنا بر فرمان ملوکانه مقرر گردید دولت شاهنشاهی بیطرفی ایران را اعلام نموده باتمام وسایل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی و بموقع اجرا گذاشته و بایک رویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت وقایع جنک و در صیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشیده چنانکه تا حال بهیچوجه خطری در ایران از هیچ طرف بهیچیک از آنها متوجه نگردیده است (صحیح است) باین حال دولت انگلیس و بعد از اتفاق آن دولت بادول شوروی هر دو متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یکمده آلمانی در ایران نمودند و دونوبت در تاریخ ۲۸ تیرماه و تاریخ ۲۵ مرداد بر طبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاربهایی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمده از آلمانیهای مقیم ایران را درخواست می کردند . در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیده شفاهی و چه طبق تذکارهای تاریخ ۷ مرداد و تاریخ سی ام مرداد کتباً اطمینانهای کافی در مراقبت های دولت ایران نسبت برفتار کلیه اتباع بیگانه و عدم امکان بروز مخاطراتی از عده محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دودول اقدامات مقتضی برای کاستن عده معتناهایی از شماره آلمانیها بعمل آمده و بجزریات افتاد و مراتب مکرر چه در تهران و چه در مسکو و لندن بمقامات دولت انگلستان و شوروی خاطر نشان و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظریه آنها کوشش گردید متأسفانه باتمام این مجاهدت که دولت

ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دو دولت همسایه خود نمود در عرض حسن تفاهم و تسویه مسالمت آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت ۴ صبح امروز بمنزل نخست وزیر رفته هر کدام یادداشتی مبنی بر تکرار مطالب گذشته که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخش داده شده بود و در این یادداشتها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده اند و مطابق گزارشهای رسیده معلوم شد نیروی نظامی آنها در تاریخ همان ساعت که نمایندگانت مزبور در منزل نخست وزیر مشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران تجاوز نموده نیروی هوایی شوروی در آذربایجان به بمباران شهرهای باز و بی دفاع پرداخته و قوای زیاد از جلفا سمت تبریز اعزام شدند .

در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاپور و خرمشهر حمله برده کشتیهای ما را غافلگیر نموده صدمه زده اند و نیروی هوایی آن دولت با هواز بمب ریخته هم چنین قوای انگلیس با وسایل موتوریزه های فوق العاده زیاد از طرف قصر شیرین بسمت گرمانشاه در حرکت میباشد ، قوای متجاوز در هر نقطه که با نیروی ارتش ایران مواجه شده اند طبعاً تصادم و زد و خوردی هم رخ داده است .

دولت برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات بفوریت مذاکرات و اقدامات بعمل آورده و منتظر نتیجه میباشد که البته باستحضار مجلس شورای ملی خواهد رسید .
چون فعلاً منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضا شد در این جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد .

دولت لازم میداند بموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع با کمال خونسردی متانت را رعایت نموده با نهایت آرامش رفتار نمایند .

روز چهارم شهر یور ماه ۱۳۲۰ - روز سوم شهر یور

ماه خبر جلسه فوق العاده مجلس شورایی بصورت فوق العاده از طرف روزنامه های مرکز در تمام شهر انتشار یافت و هیجان زیادی در بین مردم ایجاد کرد اهالی زجر کشیده و جنگ ندیده این کشور از همان ساعت بیک نوع نگرانی و اضطرابی دچار شده و هر کسی پیش خود خیالی نموده و شروع باختکار خوار بار و اجناس ضروری کرده و از این راه بر اضطراب توده افزوده میشد در همان روز اول فهمیده شد که دولت آن نفوذ را در خود ندارد که با این حادثه بزرگ روبرو شده و همانطور که ۲۰ سال مردم بیچاره این سرزمین را دچار بزرگترین بدبختیها و ناملازمات ساخته بود و همه نوع موانع داخلی را از جلو پای خود برداشته برد با این مانع خارجی نیز گلاویز شود - این مسئله مورد تردید هیچ فرد عاقلی نیست که مردان یک کشور وقتی میتوانند مقام و منزلت و فعال بودن خود را بدینا ثابت کنند که هم در داخل وهم در خارج از مرز های کشور سیاست متینی را پیش گرفته و از انحطاط و بدبختی وسیه روزی یک قوم جلوگیری کنند و گر نه چگونه ممکن است اسم یکمده مردمان بی روح و بی اراده و خائن را قائم و زمامدار قوم نام نهاد . زمامداران واقعی یک هیئت آنها می هستند که در روز رزم فرمانده میدان شده و در روزگار صلح و آرامش بدرت توده و میلیونها نفر ساکنین کشور برسند ، آن دنیا دنیائی که اشخاص تنها بانگ

به شخصیت و فکرو عقیده خود بر ملتی حکمفرمایی میکردند و هرچه در نظر داشتند همانرا انجام میدادند سالیان درازی سپری گشته است امروز اگر اقدامات دولتی متکی بنظریه و رأی ملیت نباشد و قاطبه ملت پشتیبان زمامداران خود نباشند نه کاری صورت پذیر است و نه نقشه ای انجام خواهد شد .

باری کشور ستم دیده ماهنگامی مورد تعرض دو ارتش نیرومند قرار گرفت که در داخله آن انزجار و نفرت از حکومت وقت به منتهی درجه رسیده بود معلوم بود با چنین وضعی هیچ کاری نمیشد انجام داد . زیرا چرخهای کشور که بیست سال تمام بنفع یکنفر دستیاران او و ضرر تمام ملت کار کرده بود از کار افتاده و نمی توانست با این حادثه شوم روبرو شود بزرگترین سازمانی که در کشور وجود داشت ستاد ارتش آن بود که وظایف بسیار سنگینی را انجام میداد ولی متأسفانه این بشگاه بزرگ در این روز نتوانست هیچ کاری انجام دهد اساس و پایه آن با سرعت عجیبی متزلزل شده و بی نظمی کاملی در تمام لشکرها رخ داد تنها کاری که در مرکز صورت عمل بخود گرفت گرفتن چند صد کامیون از اهالی و ضبط اتومبیلهای سواری بود و نخستین اعلامیه ستاد ارتش ایران نیز که از آن پس دنباله نداشت بشرح زیر انتشار یافت .

اعلامیه شماره يك ستاد ارتش :

۱- ساعت چهار روز سوم شهریور ماه ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار داده اند .

۲- شهرهای تبریز - اردبیل - رضایه - خوی - اهر - میانند و آب - ماکو - مهاباد - بناب - رشت

حسن کیاده - میانه - اهواز و بندر پهلوی مورد بمباران هوایی واقع و تلفات وارده نسبت بمردم غیر نظامی زیاد و نسبت بنظامیان با وجودیکه سربازخانه ها را بمباران می نمودند معدک تلفات نسبتاً کم بوده است .

يك هواپیمای مهاجم در ناحیه تبریز در نتیجه تیراندازی توپخانه ضد هوایی سرنگون شده است .

۳- نیروی موتوریزه و مکانیزه شوروی در محور جلفا مرند و پل دشت - ماکو قره ضیاء الدین و نیروی موتوریزه و مکانیزه ارتش انگلیس در محور خانقین - قصر شیرین و نفت خانه گیلان و آبادان و بندر شاهپور و قصر شیخ بتعرض برداشته اند .

۴- نیروی دریائی شوروی در کرانه های دریای خزر و نیروی دریائی انگلیس در بندر شاهپور و خر مشهر تعرض نموده اند .

۵- واحد های ارتش شاهنشاهی که غافلگیر شده اند در حدود امکان باستقبال آنها شتافتند و در نقاط مختلف با آنها تماس حاصل نموده و بدفاع پرداختند و دو ازابه زره پوش مهاجم در منطقه باختر مورد اصابت و از کار افتاده و پیشروی مهاجمین را متوقف ساخته اند .

۶- در کلیه مناطق شمالی و باختری روحیه اهالی بسیار خوب و عموماً تقاضای دخول در صفوف ارتش و حرکت بجبهه را برای دفاع از میهن مینمایند .

روز پنجم شهریور ماه ۱۳۳۰- در تعقیب این حوادث کابینه آقای علی منصور استعفاء داده و بعد از ظهر روز چهارشنبه پنجم شهریور ماه آقای محمد علی فروغی از طرف شاه وقت احضار و مأمور تشکیل کابینه جدید شده و ساعت ۸ بعد از ظهر هیئت دولت جدید را بشرح آتی معرفی کردند :

- ۱- آقای محمد علی فروغی نخست وزیر
 - ۲- « مجید آهی وزیر دادگستری
 - ۳- « علی سهیلی « امور خارجه
 - ۴- « ابراهیم علم « بست و تلگراف و تلفن
 - ۵- « اسمعیل مرآت « فرهنگ
 - ۶- « دکتر محمد سجادی « راه
 - ۷- « جواد عامری « کشور
 - ۸- « سر لشکر احمد نخچوان کفیل وزارت جنگ
 - ۹- « صادق وثیقی « وزارت بازرگانی
 - ۱۰- « عباسقلی گلشایبان « وزارت دارائی
 - ۱۱- « مصطفی قلی رام رئیس اداره کل کشاورزی
- تعیین وزیر پیشه و هنر را بعد موکول نمودند .

روز ششم شهر یورماه ۱۳۲۰ - پس از تشکیل هیئت دولت جدید جلسه فوق العاده مجلس شورایی ملی ساعت ۹ صبح تشکیل و آقای فروغی پس از معرفی کارمندان جدید کابینه اظهار داشتند :

خاطر آقایان نمایندگان محترم از نیات مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درباره اصلاحات و پیشرفت امور کشور کاملاً مستحضر است و در ضمن برنامه هائی که مکرراً از طرف دولتهای وقت پیشنهاد مجلس شورای ملی شده است ملاحظه فرموده اند بنابراین دولت امروزی بورد در برنامه تفصیلی حاجتی نمی بیند و همینقدر با مستحضر خاطر نمایندگان محترم میرساند که بانهایت جدیت در حفظ مناسبات حسنه با دول خارجه مخصوصاً همسایگان و تعقیب اصلاحاتی که منظور نظر اعلیحضرت همایونی و عموم ملت است خواهد کوشید . ضمناً خاطر آقایان نمایندگان را

مستحضر میسازد : بطوری که بخوبی آگاهی دارند دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و میباشد برای این که نیت تزلزل ناپذیر کاملاً بر جهان نیات مکشوف گردد در این موقع که از جانب دو دولت شوروی و انگلستان اقدام عملیاتی شده که ممکن است موجب اختلال صلح و سلامت گردد دولت به پیروی نیت صلحجویانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بقوای نظامی کشور اکنون دستور میدهد که از هر گونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند تا موجبات خونریزی و اختلال امنیت مرتفع شود و آسایش عمومی حاصل گردد .

تقاضای رأی اعتماد از مجلس - آقای نخست وزیر اظهار داشتند: چون هیئت دولت بایستی مشغول کار شود تقاضا دارم مجلس رأی خود را به هیئت دولت بدهند .

دادن رأی اعتماد - پس از اخذ رأی مجلس شورایی ملی با اتفاق آراء به هیئت دولت جدید رأی اعتماد دادند .

روز هفتم شهریور ماه ۱۳۲۰ - اوضاع بهمان شدت و ابهام خود باقی بود خبرهای شکفت انگیز و ترس آوری هر ساعت در سراسر شهر انتشار می یافت ولی موضوع مهم خبر فرار خانواده سلطنتی و شاه باصفهان بوده و باینکه این حادثه رخ نداده بود مردم آن را قطعی تصور میکردند اوضاع خیلی درهم و برهم ملت و توده خیلی عصبانی بنظر میرسیدند زیرا از هیچ کجا خبر نداشتند و نمی دانستند یک ساعت بعد چه پیش آمدی رخ خواهد داد .

اعلامیه دولت :

در یک چنین بحرانی آقای فروغی نخست وزیر اعلامیه از طرف دولت بشرح زیر منتشر ساختند :

در این موقع که مذاکره بانمایندگان دولتمن انگلیس و شوروی نسبت بقضایای اخیر در جریان است هیئت دولت لازم میداند مردم را متوجه کند .

(۱) متانت و خون سردی را پیوسته رعایت کنند و مطمئن باشند که موجبات آسایش اهالی از هر حیث منظور نظر است و از هیچ اقدام لازمی فروگذاری نخواهد شد .

(۲) اخیراً دیده میشود شایعات و اراجیف در میان مردم زیاد منتشر میگردد و موجبات نگرانی خاطرهارا فراهم میآورند لزوماً تذکر داده میشود که باین شایعات بی اساس بهیچوجه واقعی نگداشته و بدانها ترتیب اثر ندهند .

هرایرانی میهن پرست وظیفه دارد از انتشار اخباریکه موجب اختلال انتظامات و بریشانی خاطرهاباشد جلوگیری کند .
نخست وزیر - محمدعلی فروغی

در همین موقع که اعلامیه دولت منتشر شد خبردیگری رسید که حاکی از شروع مذاکرات نمایندگان دولت ایران بانمایندگان دودوات اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس بود و اظهار امیدشده بود که از اقدامات نظامی خودداری شود .

روز هشتم شهریورماه ۱۳۲۰ - نگرانی مردم تهران در این روزبمنتها درجه خود رسیده و شایع بود که شاه باستاد ارتش خود راه اصفهان رایش گرفته است این خبرباینکه در درست بودن آن شك بود باین حال بوضع شكفت آوری در مردم تأثیر ناگوار کرده و لازم بود که برای تسکین اعصاب مردم بایتخت اقدامات جدی بکار بسته شود . در این روز حادثه شكفت انگیز دیگری رخ داد که بیش از بیش بر نگرانی مردم افزود و شرح قضیه بقرار پائین بود :

افسرهای جوان نیروی هوایی که گویادر نتیجه سهل انگاری و جهل سران کشور و ستاد ارتش احساساتشان تحریک شده بود ساعت ۹ صبح تصمیم میگرفتند پرواز کرده و با قداماتی دست بزندن این نقشه با آغاز شورش کوچکی انجام یافته و چند نفر از افسران جوان زمام امور نیروی هوایی را بدست گرفته و فرمانده این قسمت (سر تیب احمد خسروانی) را دستگیر و بلافاصله چهار هواپیمای شکاری باینکه پرواز آنها از طرف ستاد ارتش غدغن بود در آسمان طهران پرواز مینایند به توپخانه ضد هوایی بیدرنك دستور داده میشود که به شلیک دست زده و هواپیمها را هدف قرار دهند در همین ضمن يك هواپیمای شوروی بالای تهران آمده و شروع به پخش اوراقی کرد مردم تهران همه تصور میکردند که جنگ شروع شده است و همه عجیبی همه اهالی را فرا گرفته و گروه زنان که در خیابانها مشغول آمد و رفت بودند بایک وضع دلخراشی شروع بگریه وزاری کرده و مغازه داران مغازه های خود را بسته و همه بسوی خانه های خود روان بودند بطوریکه پس از نه دقیقه در هیچ يك از خیابانهای تهران نفری پیدا نمیشد ولی توپخانه ضد هوایی همینطور مشغول تیراندازی بود .

هواپیمهای ایران پس از پرواز از آسمان تهران دور شده و تا کنون هم معلوم نشده در کدام کشور بیگانه فرود آمده اند باری روز هشتم شهریورماه در تهران محشری پیا بود و نمونه بسیار کوچکی از هیولای مهیب جنگ در این شهر بنظر میرسید، در همین ضمن گردان زره پوش لشکراول مأموریت یافته بود که بقلعه مرغی حمله برده و مخالفین را سرکوب کند . فرمانده وقت لشکر اول در این رزم سهمگین (برادر کشی) شجاعت و شهامت بسیاری از خود نشان داده و واقعاً آنطوریکه انتظار میرفت با برادران

ایرانی با احساسات و با ایمان خود معامله کرد .
 جنگ واقعی خود نمائی کند آشیانه های قلعه مرغی را ویران و در
 حدود سی و چهل نفر از فرزندان فدائیان این کشور را بخون
 آغشته ساختند تنها شهامتی که از لشکریان آراسته و شیردل
 ایران دیده شد همین بود و بس بلی این بود نمونه بسیار کوچکی
 از سیاست غلط دولت وقت !!!

اعلامیه دولت راجع بحکومت نظامی - برای
 مبارزه با راجین و تامین امنیت و آسایش اهالی تهران و برای بر طرف
 ساختن وسایل هر نوع اغتشاشی که ممکن بود در چنین موقع تاریکی
 رخ دهد حکومت نظامی از طرف دولت در شهر تهران اعلام شده
 و تیمسار سپهبد احمدی بسمت فرماندار نظامی تهران برگزیده شدند
متن اعلامیه - نظر باینکه بر اثر وقایع اخیر ممکن است
 از جهت بقای امنیت نگرانی در اهالی پایتخت تولید شده باشد
 و عناصر غیر صالح در این موقع محض سوء استفاده خود اسباب
 اضطراب و تشویش خاطر مردم را فراهم نمایند اینک دولت برای
 حفظ انتظام و تامین آسایش و رفاه عموم اهالی برقراری حکومت
 نظامی را مقتضی دانسته و بوسیله این اعلان باستحضار عموم میرساند
 تا مطابق مقررات حکومت نظامی هر اقدامی برای آسایش عامه
 لازم باشد بیدرنک بعمل آید .

هشتم شهریورماه ۱۳۲۰ نخست وزیر - محمد علی فروغی
 پس از بخش این اعلامیه آگهی حکومت نظامی تهران
 بشرح زیر در تمام شهرانتشار یافت .

آگهی حکومت نظامی تهران - به موم اهالی پایتخت
 بدینوسیله آگهی داده میشود از این تاریخ حکومت نظامی در پایتخت

برقرار و به موم افراد پایتخت توصیه میشود باینهاست شهامت خونسردی
 را از دست نداده و در حفظ انتظامات با مأمورین فرمانداری نظامی
 و شهربانی کمک لازم بنمایند و وسایل آسایش عمومی از هر حیث
 فراهم شده ضمناً برای استحضار عموم تذکر داده میشود خواربار
 شهرتأمین و از این حیث هیچ وجه جای نگرانی نیست عبور و مرور
 از ساعت نه شب در شهر بکلی ممنوع است بپاره از مواد قانون حکومت
 نظامی برای اطلاع عامه گوشزد میشود :

ماده ۱- از وقتیکه اعلان حکومت نظامی میشود اموریکه
 راجع بامنیت و آسایش عمومی است باتصویب هیئت وزیران توسط
 وزارت جنگ اجراء خواهد شد .

ماده ۲- باید محاکم نظامی موقتی تشکیل داده شود که
 با سرعت و شدت در تقصیرات و اقداماتی که برضد امنیت و آسایش
 عمومی است رسیدگی نمایند .

ماده ۳- تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند .
 ماده ۴- اشخاصی که عملاً برضد دولت مشروطه و امنیت
 و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل
 خواهند بود .

ماده ۵- اشخاصی که سوء ظن مخالفت با دولت مشروطه
 و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشود قوه مجریه حق توقیف
 آنها را خواهد داشت و پس از توقیف استنطاق آنان شروع میشود .
 هرگاه در استنطاق سوء ظن بکلی رفع نشود بشخص
 مظنون در توقیف باقی و بعد از اختتام حکومت نظامی بدلیه
 تسلیم خواهد شد .

ماده ۷- مأمورینی که تأمین شهر بعهده آنان و گذارنده
 است در صورت سوء ظن حق دخول بمنازل و اجراء تحقیقات را

خواهند داشت در صورت مخالفت و مقاومت جبراً میتوانند داخل شوند و مخالف و مقاوم قهراً دستگیر و موافق حکم محکمه نظامی قویاً سیاست خواهند شد.

ماده ۸- روزنامه ها و مطبوعات اگر برضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع رسانند نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف در صورتیکه تحریک برضدیت دولت شده باشد متصدی آن یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد.

ماده ۹- مجازاتی که در حق مستخدمین و کسانیکه متصدی امور دولتی بوده اند مقرر میشود قابل تخفیف نیست.

ماده ۱۰- اجتماعات و انجمنها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد و اگر اجتماعی منعقد شود بمجرد اخطار اولیه پالیس باید متفرق شوند در صورت مقاومت جلب بمحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهند شد:

هرگاه اجتماعات مزبور کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن همان اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم نظامی مجازات میشوند.

ماده ۱۱- حمل اسلحه از هر نوع جز برای مأمورین دولت که مأمور نظم و امنیت عمومی هستند اکیداً ممنوعست. هرگاه سلاحی در دست کسی غیر از مأمورین دولت دیده شود اسلحه ضبط دولت و حامل آن موافق حکم محکم نظامی مجازات میشود.

فرماندار نظامی تهران: سپهبد امیر احمدی

روز نهم شهر یورماه ۱۳۲۰- اوضاع بهمان تیرگی خود باقی بوده تنها چیزی که در بازار آشفته تهران پیدا نمیشد

حرف راست و حقیقت نما بود بر عکس اراجیف و هزاران دروغ و سخنان بی سروته بهمدیگر مخلوط شده و بر اضطراب و نگرانی مردم افزوده بود همه از نزدیک شدن واحدهای ارتش روس و انگلیس بمرکز صحبت میکردند ترس شگفت انگیزی و عصبانیت خاصی سراسر وجود همه را فرا گرفته بود یکی میگفت روسها زود تر خواهند رسید دیگری میگفت خیر انگلیسها برای اشغال تهران سریع تریس میآیند ولی از اقدام دولت هیچ نور امیدی دیده نمیشد دولت نه برای تسکین اعصاب خسته و فرسوده مردم اقدام می کرد و نه کردهای خود را آشکارا بملت می گفت که از چگونگی مطلع گردد چیزی که محقق بود این بود که شاه از مرکز بیرون رفته بود حالا بکجا رفته بود چه جوری رفته بود خدا میداند گروهی سوگند یاد میکردند که هنگام حرکت شاه را دیده اند که ۱۴ اتومبیل زره پوش نیز در رکابش بوده است دسته دیگری عقیده داشتند که شاه و خانواده اش بجزوالاحضرت با چهار هوا پیمای شکاری حرکت کرده اند این نوع اخبار ضد و نقیض بیشتر مردم را خسته کرده بود از همه بدتر خوار بار کافی در دسترس مردم نبود.

روز دهم شهر یورماه ۱۳۲۰- شایع بود که واحدهای ارتش شوروی و انگلیس داخل تهران خواهند شد ستاد ارتش با نبودن شاه نمی دانست چه کاری انجام دهد و وظایف خطیر خود را بچه نحوی رو برآه کند بنا بود اگر دستور داده شود چند پل مهم که در محورهای طهران قرار گرفته اند خراب شوند ولی وضعیت کار در ستاد ارتش باندازه ای خراب بود که تا آخرین دقیقه مرخص کردن افراد دولشگر مرکز بدسته های

مخصوص استحكامات مأمورین کار هیچ دستوری نرسیده بود باری از آنجائیکه بر همه بدبختیها يك بدبختی بزرگ دیگری نیز باید افزوده گردد چون شاه در خارج از مرکز بوده‌ای از سران ارتش ایران پس از مشورت با یکدیگر دستور تلفنی بفرماندهان دولشگر مرکز که از هر حیث مجهز و مسلح بوده‌اند صادر می‌کنند که اول غروب سردوشی افراد را کنند و همه آنها را از سربازخانه بیرون کنند فرماندهان لشکرها نیز از آنجائیکه بسیار افسران فهمیده و لایق وجدی بودند !! بیدرنك این امر به تلفنی را اجرا و افراد پادگان خود را بوضع بسیار فحیح و دلخراشی بدون مچ پیچ و بالابوش از سربازخانه رانده و تفنگهای (برنو) را که هر کدام با خون دل هزاران ایرانی تهیه شده بود بروی خاکها و تخته سنگها و زباله‌دانها انداخته و با این اقدام منظره‌ای در شهر طهران بوجود آوردند که گمان نمی رود تاکنون چنین حادثه شومی در مرکز يك کشور رخ داده باشد نیروی مسلح پایتخت از راه خیانت و بی‌تجربگی فوراً از هم‌باشیده و تهران بدون مدافع دروازه‌های خود را بروی ارتش اتحاد جماهیر شوروی و امپراتوری انگلیس بگشود این شب را اگر شب محشر نام‌نهم خیلی راه مبالغه‌نه پی‌موده‌ایم در این شب که ابرهای مخوف آسمان طهران را پوشانیده بود پایتخت ایران منظره غم‌انگیز و تأثر آوری پیدا کرده بود پیاده روهای خیابان سپه که مرکز شهر را بسربازخانه باغشاه وصل میکنند مملو از گروه سربازان بود که با یکدیگر آشفتنکی و سرافکنندگی بطرف مقصد نا معینی روان بودند ننگ شرمساری برای يك مشت زمامداران نالایقی که در چنین بحران عظیمی نتوانستند دو روز ابراز لیاقت کرده و کارهای

از هم‌باشیده را سر و صورتی دهند در صورتیکه در این مدت نه واحدهای شوروی و نه نیروی دولت انگلیس بتهران آمده بودند ولی طهران فاقد قوای منظم جنگی خود شد .

روز یازدهم شهر یور - در این روز حوادث مهمی رخ نداد برخلاف پیشگویی همه واحدهای ارتش دولت شوروی و انگلیس وارد تهران نشدند ولی تهران در نتیجه سهو و بد فکری عده از زمامداران فاقد نیروی منظم و مسلح خود شد در این روز اطلاع داده شد آقای فروغی نخست وزیر کسالت پیدا کرده‌اند مذاکرات بین نمایندگان دو دولت شوروی و انگلیس با ایران هم‌چنان جریان داشت .

روز دوازدهم شهر یور - روز دوازدهم چنان بنظر میرسید که مردم شهر طهران کمی آرام شده اند ولی باز از سرنوشت خود اطلاع نداشتند . بعضی‌ها میگفتند که لشکریان شوروی تا کرج رسیده اند برخی این لشکرکشی را مورد تفسیر قرار داده و اظهار میداشتند که واحدهای روس و انگلیس وارد قزوین شده اند .

در هر حال در این روز دولت ایران که از همه طرف تحت فشار قرار گرفته بود پاسخ دو دولت نامبرده را داده بود و در این مورد روزنامه‌های مرکز چنین نوشته بودند .

پاسخ دولت ایران - بموجب اطلاعی که بدست آمده شب دوشنبه پاسخ دولت ایران بیادداشت دو دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان راجع بقضایای اخیر نمایندگان دو دولت در طهران داده شده است و بزودی عامه از نتایج آن آگاه خواهند شد .

اعصاب اهالی تهران در نتیجه این حوادث تکان‌سختی

خورده بود همه میل داشتند که هرچه زود تر از چگونگی امر آگاه گردند تیره بودن اوضاع کشور و رسیدن خبر های مدهش از شهرستانهای خارج برنگرانی مردم از هر جهت افزوده بود در این روز باز خبر رسیده بود که شاه بتهران برگشته است در تأیید این خبر اطلاع رسید که شاه برای بازدید اوضاع ارتش بوزارت جنگ آمده است .

درو وزارت جنگ - ساعت ۴ بعد از ظهر بود هوا در نتیجه تابش مستقیم (هنگام ظهر) شعاع آفتاب بشیروانیها و خیابانهای اسفالت شده هوای تهران گرم و خفه کننده بود شماره زیادی کامیون و اتومبیل های باری جلو وزارت جنگ خیابان سوم اسفند و خیابان ثبت اسناد و فردوسی توقف کرده و گاهی بحرکت آمده و گاهی از حرکت غیر عادی خود دست میکشیدند مردم کنجکاو در باره تمرکز این کامیونها که در همه آنها بدون استثناء یکی دو تن افسر و سرباز (باقیمانده دولشکر مرکز) وجود داشت و بیش گویی های شگفت آوری میکردند (خدا نکند که کشوری دچار بی نظمی شود) چنان بنظر میرسید که کارها جریان عادی خود را از دست داده و عدم انتظام و تصمیم شيرازه همه امور کشور را از هم گسسته است زیرا در این ساعت باریک هیچ کسی نمیدانست چه کاری انجام دهد از شاه گرفته تا آن پست ترین افراد کشور همه سر درگم و سرگردان و پربیشان بودند بلی در کشوری که کارها از روی عقل و منطق و فهم و دستور و روی احتیاجات عمومی تقسیم نشده باشد باید هیچ انتظار زیادی در هنگام حادثه بزرگ از آن نداشت شاه مملکت که مرکز ثقل تمام امور کشور در مدت بیست سال بشمار میرفت در نتیجه این حادثه خود را سخت کم کرده گاهی خانواده خود

را از مرکز بیرون میفرستاد وزمانی نیز خود تهران را ترک میگفت بدون اینکه هیئت مدیره یا شخص با نفوذ دیگری را مسئول امور کشور کند . باری در روزیکه شاه از مرکز غیبت کرده بود بزرگترین بدبختی رخ داد چنانکه گفته شد در رأس ستاد ارتش مردی قرار گرفته بود که برای کوچکترین کاری از شاه اجازه میگرفت قطعی است که يك چنین مردی در يك روز فوق العاده نمی تواند تصمیم و اراده خود را بکار انداخته و زمام کار را با اختیار گیرد شاه در مرکز نیست از طرف دیگر خبر رسیده بود که واحدهای ارتش شوروی وانگلیس وارد تهران میشوند باید فکری بحال دولشکر مجهز و مسلح مرکز کرد . بالاخره در ستاد ارتش و یا در وزارت جنگ جلسه ای تشکیل شده و تصمیم گرفته میشود که افراد را مرخص نمایند افراد این دولشکر در حدود سی هزار نفر بودند تجهیزات و تسلیحات آنها هیچ نقصی نداشت تنها از این لحاظ بدبخت بودند که تحت اختیار مریبان نالایق قرار گرفته بودند یعنی دولشکر بی اراده (بودر چه پری و تقدی) فرماندهی این دولشکر را به عهده داشتند بالاخره پس از مذاکرات شتاب انگیز آقای سرلشکر احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ و آقای سرتیپ ریاضی که اکنون یکی وزیر جنگ و دیگری معاون ستاد ارتش ایران است با تلفن به لشکرها دستور میدهند که شبانه افراد را مرخص و سردوشی آنها را بکنند .

شاه پس از دوروز غیبت از مرکز از عمل خود پشیمان و دومرتبه مراجعت میکند ولی با کمال تعجب می بیند که افراد دولشکر مرخص شده اند این اقدام سخت موجب خشم شاه شده و ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۱۲ شهریورماه بوزارت جنگ آمده

و پس از دیدن سران لشکر آقای سرلشگر ضرغامی رئیس ستاد ارتش را سخت کتک زده و با عصا بسرلشگر نخجوان خدمت حساسی کرده و امر بازداشت ایشان و سرتیب ریاضی را صادر میکند ولی بطوریکه میدانیم این اقدامات کوچکترین تأثیری در تثبیت مقام شاه و تسکین اوضاع ایران نداشت و چنان بنظر میرسید که در خلال چند روز دیگر حوادث بزرگتری رخ خواهد داد در روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ شهر یورماه حادثه‌ای که خیلی مهم باشد رخ نداد زیرا مذاکرات جریان داشت و همه منتظر بودند که پاسخ دولتهای شوروی و انگلیس برسد روز ۱۷ از طرف وزارت امور خارجه اطلاع داده شد که جریان مذاکرات در مجلس شورای ملی باستحضار نمایندگان خواهد رسید .

روز هیجدهم شهر یورماه — پس از آنکه ساعت ۱۰ صبح مجلس شورای ملی تشکیل یافت آقای فروغی نخست‌وزیر و آقایان وزیران در مجلس حضور یافتند شرح مذاکرات دولت ایران با دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس از طرف وزیر امور خارجه با اطلاع مجلس رسید و چون این مطالب بروشن شدن ذهن خوانندگان گرام سالنامه کمک‌زبانی خواهد کرد اینک عین آنها شرح زیر چاپ میشود .

آقای وزیر امور خارجه

سخن بر سر قضایا و پیش آمده‌های اخیر است که نظر با اهمیت آنها لازم است خاطر نمایندگان محترم و عموم ملت از آن آگاه باشند ، آنچه تا روز پنجشنبه ۶ این ماه واقع شده باستحضار آقایان رسیده است و بخاطر دارند که روز ۵ شنبه هیئت دولتی

که همان روز بمجلس شورای ملی معرفی شد در ضمن برنامه خود اطلاع داد که دولت ایران نظر بنیت صلح خواهانه و مصلحت کشور تصمیم گرفته است که در مقابل قوای دولتمن شوروی و انگلیس بقوای خود امر دهد که از مقاومت خود داری نمایند - نمایندگان محترم هم در ضمن رأی اعتماد بدولت این تصمیم را تصویب نمودند بنابراین همان روز شرح ذیل بسفارت کسبرای شوروی و سفارت انگلیس نوشته شد .

نامه بسفیر کمیر شوروی مورخه ۶ شهر یورماه ۱۳۳۰

خاطر آن جناب مستحضراست که دولت شاهنشاهی ایران بازعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته‌است مناسبات دوستانه خود را بویژه با دولتهای همسایه خود محفوظ بدارد - در اینموقع هم که نیروی جنگی اتحاد جماهیر شوروی وارد خاک ایران گردیده‌اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات همجواری مبادرت بچنگ نموده‌است با اینحال قوای آن دولت اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و نیروی پادگان ایران در شهرستانها هم طبعاً در مقابل حمله‌ای که بآنها شده است ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده‌اند .

اینک باستحضار خاطر عالی می‌رساند که دولت شاهنشاهی ایران برای اثبات نیت صلح خواهانه خود دستورداد نیروی دولتی بکلی ترك مقاومت نموده و از هر گونه اقدامی خودداری نمایند انتظار دارد قوای آن دولت هم حرکت خود را متوقف ساخته عملیات جنگی را متروک دارند این تصمیم دولت با اطلاع نمایندگان دول دیگر هم می‌رسد .

(عین همین نامه بوزیر مختار انگلیس نوشته شده)

جواب

در روز ۸ شهریور ماه نمایندگان دولتمن بملاقات جناب

آقای نخست وزیر و اینجانب آمده یادداشت‌هایی تسلیم نمودند که متن آنها خوانده میشود .

نامه سفارت انگلیس هورخه شهر یورماه ۱۳۲۰

آقای وزیر محترماً بطوریکه قبلاً هم تذکر داده شد ، خاطر جنابعالی را مستحضر میداریم که دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی هیچ نقشه‌ای بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران ندارند و علت این که مجبور شده اند اقدامات نظامی بعمل آورند این بوده است که دولت ایران توجهی به پیشنهادات دوستانه آنها ننموده است لیکن اینگونه اقدامات بر علیه خود ایران اتخاذ نگردیده بلکه فقط بر علیه تهدید اقدامات ممکنه آلمانی‌هایی بوده که در نقاط مهم تمام کشور ایران قرار گرفته بوده‌اند . چنانکه دولت ایران فعلاً حاضر بتشریک مساعی باشد علت ندارد که عملیات خصمانه ادامه پیدا نماید .

- ۲- دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی خواستار بعضی ضمانت‌هایی میباشند که فعلاً دولت ایران در حقیقت مایل بانجام تقاضاهای عادلانه آنها هستند تقاضاهای مزبور بقراردیل است:
- ۱- دولت ایران باید امر صادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی که از خانتین، کرمانشاه، خرم‌آباد، مسجد سلیمان، هفت گل، گچساران و از آنجا به بندر دیلم که در خلیج فارس واقع شده است عقب نشینی نمایند - در شمال قشون ایران باید از نقاط اشنو، حیدرآباد، میان‌دواب زنجان، قزوین، خرم‌آباد، زیراب، سمنان، شاهرود، علی‌آباد عقب نشینی کند نقاط نامبرده بالا موقتاً بوسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد .
- ب - دولت ایران بایستی در ظرف یک هفته کلیه اتباع

آلمانی باستثنای اعضاء صنعتی سفارت آلمان و چندین نفر اشخاص فنی که در دستگاههای مخابرات یا نظامی نباشند از ایران خارج نموده و صورت اسامی آلمانی‌های مزبور را برای موافقت بنمایندگان سیاسی انگلیس و شوروی در تهران تسلیم نمایند .

ج - دولت ایران بایستی تعهد نماید که اتباع آلمانی دیگر بخاک ایران وارد نشوند

د - دولت ایران باید تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد شد و از وسط خاک ایران بین نیروهای انگلیس و شوروی بعمل خواهد آمد قرار نداده بلکه تعهد نمایند وسائل تسهیل حمل و نقل این قبیل لوازم را که بوسیله راه خط آهن و یا از طریق هوا حمل میشوند فراهم سازد .

۲- در مقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت مینمایند که:

الف: - حقوق مربوط به نفت و غیره ایران را کمافی السابق بپردازد .

ب: - وسایل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران را فراهم سازند .

ج: - پیشروی زیادتر نیروهای خود را متوقف ساخته و بمحض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند .

۴- علاوه بر این دولت ایران تعهد مینمایند که بی طرفی خود را ادامه داده و هیچگونه عملی که بر خلاف منافع دولتین انگلیس یا شوروی باشد در این مبارزه که بر اثر تجاوز آلمان بر آنها تحمیل گردیده است ننمایند - موقع را مغتنم شمرده احترامات

فائمه خود را تقدیم مینماید.

وزیر مختار انگلیس

ریدرز پولارد

نامه سفارت کبرای شوروی بدولت ایران

مورخه ۸ شهر یور ۱۳۳۰

دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت بریتانیای کبیر چنانکه در نامه مورخ ۲۵ اوت سال جاری خود اشعار داشته اند هیچگونه مقاصدی که مخالف استقلال ایران و یا تمامیت ارضی آن باشند ندارند. آنها مجبور شدند بعملیات نظامی در خاک ایران مبادرت ورزند چونکه دولت ایران به پیشنهادات دوستانه آنها عطف توجه ننمود با این حال این اقدامات بهیچوجه متوجه خود ایران نیست این اقدامات فقط متوجه تهدیداتی است که با امنیت دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و خود ایران بوسیله عملیات آلمانیهای که مقامات برجسته ای را در تمام ایران اشغال نموده اند وارد گردیده چنانکه در حال حاضر دولت ایران حاضر به همکاری باشد هیچ سببی برای اینکه عملیات جنگی ادامه داشته باشد وجود نخواهد داشت ولی دولت شوروی و دولت بریتانیای کبیر در نظر دارند که از دولت ایران تضمینات معینه راجع باینکه دولت ایران اکنون حقیقتاً مایل است منافع حقه آنها را تأمین نماید بگیرد تضمینات از این قرار است:

الف: - دولت ایران باید قوای خود را در جنوب خطی که از جنوب بشرق از نقاط زیر میگنرد عقب ببرد - قصبه اشنو « در جنوب غربی دریایچه رضائیه » حیدرآباد و میان دو آب « در جنوب دریایچه رضائیه » و زنجان و قزوین و خرم آباد « ساحل جنوبی دریای خزر » و بابل و وزیر آب

و سمنان و شاهرود و در شرق علی آباد - نواحی واقع در شمال این خط باید موقتاً در تصرف نیروی شوروی باشد. دولت ایران باید بنیروی خود امر بدهد که در شمال و مشرق خطی که از نقاط زیر میگنرد عقب بنشینند - خاتقین و کرمانشاه و خرم آباد و مسجد سلیمان و هفت گل و گچساران و رامهرمز و بندر بلم - نواحی واقع در جنوب و مغرب آن خط را موقتاً قشون انگلیس اشغال مینماید:

ب- دولت ایران باید در ظرف یک هفته تمام اتباع آلمانی را باستثنای هیئت سفارت آلمان و چند نفر از تکنیسین های متخصص که مشاغل آنها مربوط بوسایل ارتباطی و یا مؤسساتی که جنبه نظامی دارند نباشند خارج نمایند سیاهه آلمانی هائی که در ایران خواهند ماند « و از آن جمله کارمندان سفارت آلمان خواهند بود » باید با موافقت سفارت شوروی و سفارت انگلیس در تهران تنظیم شود.

ج- دولت ایران باید تعهد نماید که آلمانیها را در آینده یخاک ایران راه ندهد.

د- دولت ایران باید تعهد نماید هیچگونه موانعی برای حمل و نقل کالاهائی که « از جمله مواد جنگی » بمقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر حمل میشود ایجاد ننماید همچنین حمل کالاهای مواد را که در راههای شوسه و راه آهنهای ایران و یاد خطوط هوائی حمل میشوند تسهیل نماید.

ه- به بنگاه های دولت اتحاد جماهیر شوروی برای توسعه نفت در کویر خوریان مطابق قرارداد ایران و شوروی و همچنین برای توسعه امور شیلات در سواحل جنوبی دریای خزر مطابق قرارداد ایران و شوروی و راجع بشیلات بدل مساعدت نمایند.

و - دولت ایران باید تعهد نماید که بیطرفی را حفظ نماید و بر ضرر منافع شوروی و انگلستان در خاصه ای که نتیجه تجاوزات آلمانی‌ها میباشد بهیچ عنوان اقدامی ننماید. دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان از طرف خود در مطالب زیر موافقت مینمایند .

۱ - به دولت ایران در انجام امور اقتصادی کمک و مساعدت نمایند .

۲ - حرکت نیروی انگلستان را در آینده متوقف سازند و بعضی اینکه وضعیت جنگی اجازه بدهد نیروی خود را از خاک ایران خارج سازند .

۳ - دولت شوروی همچنین موافقت دارد برداخت حق الامتياز شيلات سواحل جنوبي بحر خزر را بروفق قرارداد ایران و شوروی مورخ اکتبر ۱۹۲۷ ادامه دهد .
دولت بریتانیای کبیر موافقت دارد :

برداخت حقوقی را که از بابت اجاره بهای نقاط نفت خیز و غیره بطوری که تاکنون معمول بوده ادامه دهد -



هیئت دولت بعد از مطالعات و مشاوره نظر با اوضاع و موقعیت و مخاطره ای که بکشور روی نموده بود در دهم شهریور ماه در جواب درخواست نمود بعضی تغییرات و اصلاحات دولتین در تقاضای خود بدهند که اینک متن جواب هائیکه بنمایندگان دولتین داده شده خواننده میشود

آقای وزیر مختار

محترماً در پاسخ نامه مورخه ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰

(۳۰ اوت ۱۹۴۱) اشعار میدارد .

اینکه مرقوم شده است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی هیچ قصدی بر علیه استقلال و تمامیت خاک ایران ندارند و عملیاتی که اخیراً واقع شده بر ضد ایران نیست در صورتی که دولت ایران حاضر برای همکاری باشد عملیات خصمانه ادامه نخواهد یافت - دولت ایران از این اظهار رسمی اتخاذ سند مینماید و با اعتماد کامل انتظار دارد از اقدامات آن دو دولت چنانکه صریحاً وعده داده اند هیچ نوع لطمه ای باستقلال کامل و تمامیت خاک ایران وارد نخواهد آمد و اینکه اظهار کرده اند که دولت ایران تضمین کند که منافع حقه آنها را رعایت خواهد کرد دولت شاهنشاهی ایران کاملاً اطمینان میدهد که نه در گذشته و نه در آینده هیچ قصد نداشته و ندارد که منافع حقه آن دو دولت در ایران مختل شود یا اقدامی برخلاف دوستی و مناسبات همجواری که در بین بوده هست بعمل آید .

امادر باب تقاضاهایی که در نامه مزبور از دولت ایران نموده اند .

۱ - اینکه تقاضا کرده اند دولت ایران بقوای خود امر دهند که بطرف شمال و مشرق خطی که از نقاط خانقین کرمانشاه ، خرم آباد و مسجد سلیمان وهفت گل و گچساران و رامهرمز و بندر ديلم ميگذرد عقب بکشد و قوای دولت انگلستان در نواحی جنوبی و غربی این خط اقامت کنند و نیز دولت ایران قوای خود را بطرف جنوب خطی که از مغرب بمشرق از قصبه اشنو « در جنوب غربی رضایه » و حیدرآباد و میان دو آب « در جنوب دریاچه رضایه » و زنجان و قزوین و خرم آباد « در جنوب دریای خزر » و بابل و زیرآب و سمنان و شاهرود و علی آباد

« در مشرق » میگذرد عقب بکشند و قوای شوروی موقتاً در نواحی واقع در شمال این خط اقامت کنند اظهار میشود که دولت ایران اصولاً این پیشنهاد را برای مدتی که اوضاع جنگ کنونی ایجاب میکند می پذیرد و ضمناً چون یقین دارد که خود دولتین هم قصد ندارند نواحی که در آنجا قوای خود را موقتاً اقامت میدهند وسیع باشد و نیز نظر بملاحظات آنکه شفاهاً گفته شد تقاضا میکند در قسمت جنوبی حدود ناحیه منظور نظر طوری معین شود که شهرهای خرم آباد و دزفول در آن ناحیه واقع نشود و در قسمت شمال هم شهرهای قزوین و سمنان و شاهرود از این خط خارج شود در این موقع لازم میدانند نکات زیر را اشعار دارد .

الف : دولت شاهنشاهی ایران تصور می کند دولت انگلستان موافقت دارد که قوای ایران شهر کرمانشاه را تخلیه نکنند
ب : بنا بر اصلی که آن دو دولت در آغاز نامه خود تصریح کرده اند مسلم است که در نواحی که قوای دولت بریتانیای کبیر یا شوروی اقامت خواهند کرد متعلقات ملت و دولت ایران ایران کاملاً محفوظ و اختیارات دولت ایران بر حسب استقلال تامه خود راجع بوظایفی که نسبت بامور کشور برعهده دارد برقرار خواهد بود و از طرف قوای آن دو دولت بهیچ وجه عملیاتی که منافی با آن اختیارات باشد واقع نخواهد شد و ادارات دولتی و ملی ایران آزادانه وظایف خود را مطابق مقررات کشور ایران عمل خواهند کرد و قوای شهربانی و امنیه نیز مشمول همین اصل خواهد بود .

ج - قوای انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی هر جا اقامت دارند از حیث تدارک خواربار و لوازم زندگی و مسکن و سایر

حوائج بر دولت ایران تحمیلی نخواهند داشت و تهیه وسایل مزبور برعهده خودشان خواهد بود و در قسمتی که از داخله تهیه بنمایند باید مطابق مقررات کشور بطریقی باشد که مضیقه ای پیش نیاید مأمورین دولتین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی در تقاطعی که قوای آنها اقامت دارند دستورهای لازم خواهند داد باینکه قوای مزبور و افراد آنها حتی الامکان تماس با اهالی نداشته باشند تا از وقوع احتمالی قضایای نا مطلوب احتراز شود .

۲ - اینکه تقاضا کرده اند دولت ایران در طرف یکطرفه تمام آلمانی ها را باستثناء کارمندان سفارت آلمان و بعضی از متخصصین فنی که کار آنها مربوط بوسایل ارتباط یا اعمال نظامی نباشد از ایران خارج نمایند اشعار میدارد :

دولت ایران موافقت خود را با این تقاضا اعلام میکند و چون خروج آنها از راه هائی باید بشود که قوای آن دو دولت در آنجا اقامت دارند البته اقدام خواهند نمود که اتباع آلمانی که خارج میشوند بدون مزاحمت از آن نواحی عبور نمایند و از طرف قوا و مأمورین آن دو دولت تعرضی نسبت به آنها نشود راجع باینکه بعد از این دولت ایران اجازه ندهد اتباع آلمانی بخاک ایران وارد بشوند اشکالی نیست و بدیهی است این قید محدود بمدتی است که مخصوصه فعلی بین آن دو دولت و دولت آلمان ادامه دارد .

۴ - اینکه تقاضا کرده اند دولت ایران بهیچوجه اشکالی برای حمل اجناس و مهمات جنگی بمقصد بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی پیش نیاورد و حمل آنها را بوسیله راههای شوسه و راههای آهن یا راههای هوایی تسهیل نماید دولت

شاهنشاهی موافقت خود را در این باب اشعار میدارد البته تسهیلاتی که دولت ایران خواهد نمود در حدود ممکن و موجودیت وسایل خواهد بود بطوریکه مایه تضییعی برای دولت ایران و ایرانیان فراهم نشود .

۵- اینکه اظهار داشته اند که دولت ایران تعهد کند که بیطرف مانده واقدامی نکند که بمنافع دولت انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی در این منازعه آنها با دولت آلمان خلل وارد آرد و ما اشعار میدارد که راجع به بیطرفی بطوریکه اطلاع دارند دولت ایران از آغاز جنگ اروپا بطیب خاطر بیطرفی خود را اعلام داشته و هیچوجه از شرایط این بیطرفی تخلف نکرده بود و بعدها نیز در این تصمیم خود باقی خواهد بود و نیز دولت ایران هیچگاه راضی نبوده و نخواهد بود که بمنافع حقه آن دو دولت خللی وارد آید و امیدوار است اولیاء آن دو دولت نیز در تفسیر این عبارت و تطبیق این معنی با موارد عمل حسن تفاهم را از مدنظر دور ندارند تا از بروز هر گونه مشکلات اجتناب شود .

۶- بطوری که در نامه خود وعده داده اند که بدولت ایران در حوائج اقتصادی آن مساعدت نمایند یقین است که در اجرای این مقصود خرید کالاهای صادراتی ایران را نیز منظور داشته و نیز اقدام لازم بعمل خواهند آورد که اجناس متعلق بایران که اکنون در حدود متصرفات انگلستان و یا خاک دولت شوروی موجود و متوقف مانده هر چه زودتر بایران حمل شود و از این جهت برای این کشور گشایش دست دهد .

۷- نسبت بوعده صریحی که آن دو دولت داده اند که پیشرفت قوای انگلیس و شوروی را متوقف سازند و بهر روزی که اوضاع جنگ کنونی اجازه دهد آنها را از خاک ایران

بیرون ببرند دولت ایران از این فقره اتخاذ سند می نماید و اعتماد خود را نسبت باین اظهارات دودولت اشعار میدارد .
۸- این که اظهار داشته اند حق الامتیاز نفت شرکت

ایران و انگلیس مانند گذشته پرداخته خواهد شد و دولت شوروی هم موافق قرارداد ایران و شوروی مورخ اول اکتبر ۱۹۲۷ حقوق دولت ایران را از بابت شیلات سواحل جنوبی بحر خزر کماکان خواهد پرداخت موجب امتنان است .

۹- در خانه اشعار میدارد که چون در ضمن عملیاتی که از روز ۳ شهریور به بعد واقع شده ممکن است اسلحه و مهمات و اشیائی از قوا و متعلقات ایران بدست قوای آن دو دولت افتاده باشد نظر بعوالم دوستی که فیما بین این دولت با بریتانیای کبیر و با دولت اتحاد جماهیر شوروی برقرار است دولت ایران انتظار دارد که مسترد سازند و نیز چون در ضمن عملیات قوای آن دو دولت خسارات مالی و خرابیها و اتلاف نفوس واقع شده است امیدوار است از طرف آن دو دولت نیات دوستانه و مشفقانه درباره ترمیم آنها ابراز شود و قسمتی از این قضایای ناگوار بس از آن روی داده است که دولت ایران بقوای خود امر به ترک مقاومت نموده بود .

نامه وزارت امور خارجه ایران بسفارت کبرای شوروی

دولت شاهنشاهی ایران در جواب یادداشت ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ (۳۰ اوت ۱۹۴۱) دولت اتحاد جماهیر شوروی اشعار میدارد اینکه مرقوم شده است دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچ قصدی بر علیه استقلال و تمامیت خاک ایران ندارند و عملیاتی که اخیراً واقع شده برضد ایران نیست و در صورتی که دولت ایران حاضر